

قلم ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

از گانه مرکزی بنیاد تعاون ملی ایران

هادی بهزاد

جنگ و صلح در روایت ملیون

مجله " مسائل - خارجی " چاپ ایالات متحده آمریکا ، بنقل از منابع اطلاعاتی آمریکا و اروپا ، از تکاپوی برداشته می‌شود. برای دستیابی به پناهاگه‌های امن و تدارک توشه‌های روزمبادا " گزارش جاندار تهرانی کرده است .

این مجله می‌نویسد : " ملاهای حاکم ایران ، مالیه و ثروت خود را بر شتاب به کشورهای خارجی و مخصوصاً اروپا منتقل می‌کنند . و برای نمونه از انبارهای عظیم فرش در آلمان فدرال خبر می‌دهد که : مدت‌ها است همچنان سربه مهر باقی مانده‌اند و پیدا است به این زودیها هم گشوده نخواهند شد .

این مجله که بدلیل دسترسی به اطلاعات دست اول شهرت فوق العاده‌ای دارد و به همین جهت غالباً مورد استناد به همین مطبوعات معتبر آمریکا می‌گردد ، ضمن توضیح مفصلی از چگونگی اقدامات وسیع ملاها در انتقال ثروت‌های کلان شخصی به خارج از کشور اضافه می‌کند :

" در نیابری واقع در شهر فرانکفورت مجموعه‌ای از شاهکارهای بی‌رقیب و نفیس قالی ایران گرد آمده است که خبرگان بهای کلی آنرا تا یک میلیارد دلار تخمین می‌زنند و شواهدی در دست است که مسلم می‌دارد ، این مجموعه به چند تن از زعمای ردیف اول رژیم اسلامی متعلق است .

برداشت این مجله ، با توجه به شرایط دشوار اقتصادی و مشکلات خریدکننده‌های که رژیم را از هر سواحاطه کرده است ، به توجیه این نظر منتهی می‌شود که :

حس چنین ثروت هنگفت ، بهیچ دلیل عقلانی بسته نیست ، جز آنکه بپذیریم این کلکسیون بی‌همتا ، از حوزه‌های اموال دولتی خارج شده است و ما حیوان آن یعنی صاحب منصبان رژیم مصلحت دیده‌اند ، این ذخیره‌های گرانبهارا بصورت یک " پس دست " برای روزهای تیره در یکی از سرزمین‌های " شیطان " به امانت بگذارند

بقیه در صفحه ۱۰

احمد میرفندرسکی

دعوی ریگان - قذافی

دعوی ریگان - قذافی دو جنبه دارد ، حقوقی و سیاسی که در زیر به ترتیب مورد بررسی قرار خواهد گرفت .

جنبه حقوقی دعوی

از لحاظ حقوقی دعوی ریگان - قذافی ، بر سر عرض آبهای ساحلی یا بقول دریای سرزمینی است . هر کشور ساحلی ذیحق است مقداری از آب دریا را بعنوان جزئی از سرزمین و حیطه قلمرو خود بداند و حاکمیت تمام و کمال خود را در آن اعمال کند .

قذافی ادعا می‌کند که تمام خلیج سیرت جزو سرزمین دریائی و در نتیجه ملک طلق لیبی است . بنا به این ادعا حدود شمالی دریای سرزمینی لیبی ، خطی فرضی است که دردها نه خلیج ازبندر بنغازی در کناره شرقی خلیج تا طرابلس در غرب آن کشیده می‌شود . این همان خطی است که قذافی آنرا " خط مرگ " نامیده و هر کس را که بدون اجازه از آن عبور کند یا در آسمان روی آن پرواز کند تهدید به مرگ کرده است . آسمان روی آبهای سرزمینی هم شامل مقررات مربوط به دریای سرزمینی می‌گردد . برای اینکه مطالب را با دقت بیشتری بررسی کرده باشیم به وضع دریای سرزمینی در حقوق بین المللی اشاره می‌کنیم .

بقیه در صفحه ۲

کلیله و دمنه اثری هندی و ایرانی

کتاب کشورداری ،

سیاست و حکمت

در صفحه ۶

تفسیری بر میزان امام

در صفحه ۷

تحریم فرودگاههای جمهوری اسلامی ، سوریه ، لیبی

گردد . امیدوارم که شرکت کنندگان در آن با تحریم فرودگاه‌های کشورهای خطا کار موافقت کنند .
کاپیتن توماس آشود که در صاحه‌های کابینه تلویزیونی بی . بی . اس . آمریکا سخن می‌گفت افزود : چنانچه دولت‌ها قادر نیستند این قبیل کشورها را از جگر جهان متمدن کنار بگذارند ، چنانچه قادر نیستند قذافی هها و همپالکی‌های جمهوری اسلامی و سوریه آن‌ها و بهشت‌های پرورش تروریسم را از جهان منزوی سازند ، این کار را ما برای آن‌ها انجام خواهیم داد .

خبرگزاری فرانسه

یک کارشناس انجمن بین المللی خلبانان خواستار تحریم فرودگاه‌های جمهوری اسلامی ، سوریه و لیبی شد .
به دنبال وقوع انفجار در هواپیمای تی . دبلیو . آ . یک کارشناس مسائل امنیتی پرواز عضو انجمن بین المللی خلبانان هواپیماهای مسافربری ، پیشنهاد کرد فرودگاه‌های کشورهای تروریست پرور و خطا کار مانند جمهوری اسلامی سوریه و لیبی تحریم شوند .

کاپیتن توماس آشود ، کارشناس امنیتی پرواز اظهار داشت : قرار است هفته آینده اجلاس متشکل از خلبانان ۶۰ کشور جهان در لندن تشکیل

پیام مشترک دکتر علی امینی و دکتر شاپور بختیار

بمناسبت درگذشت آیت الله شریعتمداری

با کمال تأسف مطلع شدیم که حضرت آیت الله العظمی آقای سید کاظم شریعتمداری دعوت حق را اجابت گفتند .

حضرت آیت الله شریعتمداری علاوه بر مرجعیت شیعیان و محبوبیت فوق العاده در میان ملت ایران به وطن دوستی و مخالفت با نفوذ بیگانگان در ایران و مخالفت با استبداد ، مشهور بودند .

از فاضل آن مرحوم اعتقاد به شرکت مردم در تعیین سرنوشت خویش و عقیده به حاکمیت ملی و آزادی و احترام به آراء ملت بود . شاید اگر وسیله معالجه ایشان را در خارج از کشور فراموش می‌کردند ، در اتفاق افتادن ضایعه فوت ایشان تأسخیر می‌شد .

ما میدوایم که ملت ایران مخصوصاً هموطنان آذربایجان با توجه به مظلومیت آن مرحوم ، مراسم ترحیم ایشان را با تجلیل کافی برگزار کنند و یادشان را زنده و پیوسته نگاهدارند .

شاپور بختیار

دکتر علی امینی

ح. متنگان

دنیای غرب و خمینی

برنجاند یا موقع آنها را تضعیف کند ، ما که دستمان در کار است و خودمان بقول معروف اهل بیخه ایم کاملاً متوجه بودیم در لحظات حساس مطبوعات و فرستنده‌های رادیویی کشورهای غرب چه گونه به کمک رژیم آخوندها می‌شتافتند . به بعضی آنکه رژیم به مناسبتی در مخصمه می‌افتاد در دیوه‌های خارجی و اغلب مطبوعات غرب گزارشهای متنوعی انتشار می‌دادند که از ثبات اقتصادی و سیاسی در جمهوری اسلامی حکایت داشت .

هر چه ما ایرانی‌ها میخواستیم بسا و سایر محدودی که در اختیار داریم اوضاع واقعی ایران را برای اطلاع عالمیان تصویر کنیم و بگوئیم این ثبات نیست ، این خفقان است که بر

بقیه در صفحه ۱۲

فرهاد سرشت (دانشیار دانشگاه پاریس)

سیاست نفتی

عربستان سعودی

عربستان سعودی از سال ۱۹۸۱ در برنامہ نفتی خود دو استراتژی بزرگ را دنبال کرده است که نه تنها در شیوه و شکل ، که در اهداف مورد تعقیب نیز عمیقاً متخالف اند .

نتایج این سیاست‌ها بر تحول بسا زار بین المللی نفت بطور کلی و بر تأسخیر گذاری عربستان سعودی و ویک ورقبای اصلی اش بطور اخص چه بوده است ؟ این موضوعی است که به بررسی آن می‌پردازیم .

بقیه در صفحه ۱۱

دلایلی که برای برده پوشی بر اوضاع عمومی ایران وجود داشت کم کم از بین می‌رود و مطبوعات خارجی در گزارش‌هایشان راچ به ایران مثل سابق دغلی نمی‌کنند .

مقاله اخیر " تایمز " لندن گواهی بر این مدعا است .

تا بجز در مقاله مبسوطی راچ به اوضاع داخلی ایران نوشته است ؛ هنگامی که نفت درباراً از آذربایجان به بیست دلار معامله می‌شد جمهوری اسلامی بدلیل نیاز شدید ارزی ، نفت خود را هر بشکه سیزده دلار می‌فروخت و با کاهش سریع قیمت نفت ، اکنون بهای هر بشکه نفت صدها دلار است . مشکلات ناشی از ادامه جنگ و پایان آمدن درآمدهای نفتی به درجه‌ای است که ظرفیت تولید صنعتی ایران به ۲۵ درصد کاهش یافته است .

در ادامه این گزارش که عنوان " ملتی با آرزوی مرگ " برای آن انتخاب شده است روزنامه تایمز متذکر می‌شود :

" با تبلیغات وسیع و مداوم دولتی ، مردمی که بجای پیشرفت سیر فقه‌پرایی می‌پیمایند تن سپردن به مرگ را بالاترین هدف زندگی تلقی میکنند ، زنان را به پوشیدن لباس عزا و میدارند و به کودکان می‌آموزند که بالاترین قهرمانی کشته شدن است . بدین ترتیب ایران خود را به مرحله نابودی رسانده است . اوضاع حیرت‌آوری که ملت ایران دستخوش آنست با وقایع صحرائی کربلا قابل مقایسه نیست بلکه مشابهه سلاخی‌های کامبوج است . این ، یکی از پدیده‌های وحشتناک عصر ما است ."

تا بجز مطبوعات هم سطح آن در کشورهای اروپا تا چندین پیش راچ به اوضاع ایران با چنین لحنی اظهار عقیده نمی‌کردند ، برعکس ، مراقب بودند چیزی ننویسند که آخوندهای تهران را

دعوی ریگان - قذافی

بقیه از صفحه ۱

وضع دریای سرزمینی

نخستین فرمول یا ضابطه را در حقوق بین المللی برای تعریف عرض دریای سرزمینی، بیگرشوک (۱) در کتابش موسوم به " تسلط بر دریا " (۲) در سال ۱۷۰۲ بشرح زیر ارائه داد:

" رویهمرفته قاعده در محاسبه عرض آبیهای ساحلی باید بر دگلوله تسوپ باشد. زیرا تا این مسافت است که کنترل ما بر دریا محرز است و میتوانیم از آن بعنوان مال خود دفاع کنیم. البته من با توجه به احوال و سلاحتی که در اختیار دارم سبب سخن میگویم. والا وسعت آبیهای ساحلی بستگی به برد و قدرت سلاحی پیدا می کند که انسان در اختیار دارد. زیرا بر دو قدرت سلاحه است که مالکیت را تضمین می کند."

دولتها در عمل و حقوقدانان در قرن هیجدهم فرمول بیگرشوک حقوق دان و قاضی هلندی را پذیرفتند و ببرد گلوله تسوپ را سه مایل دریای تعیین و ضبط کردند. جفرسون وزیر امور خارجه کشور جدید لئا، سپس ایالات متحده آمریکا در مورد عرض دریای سرزمینی ایالات متحده به وزیران مختار انگلیس و فرانسه و با ارسال رونوشت نامه به قضات امریکائی در ۸ نوامبر ۱۷۹۳ چنین نوشت:

" رئیس جمهوری ایالات متحده با توجه به اینکه در باره عرض آبیهای ساحلی نظرات مختلفی ابراز شده است و جداگانه عرض آنرا ۳ مایل یعنی تا جاییکه چشم کار می کند، و حداقل آنرا ۳ مایل برد گلوله تسوپ " ادعا کرده اند، فعلا تا وضع قاعده مورد قبول همگانی به ما خب متضمن آن فرما نبردا ز خود دستور می دهد عجلالتا " فاصله ۳ مایل دریای را از ساحل، ملاک عمل خود قرار دهند. در مورد این فاصله مخالفتی نمی تواند وجود داشته باشد زیرا فاصله مذکور بعضی از کشورهای که با ما رابطه بازرگانی و دریای نوردی دارند قبول کرده اند و در مورد آبیهای خودشان نیز مرعی می دارند."

یک قرن بعد از آن جفرسون قاعده برد گلوله تسوپ هنوز مورد تأیید همگانی قرار نگرفته بود، چنانکه اسپانیای دریای سرزمینی جزیره کوئبا مستعمره خود را سه مایل دریای تعیین کرده بود و هنگامی که ناوهای جنگی امریکا در جریان جنگ داخلی این کشور در سال ۱۸۶۲ این حد را مرعات نکردند به آن دولت شدیداً اعتراض کرد وزیر امور خارجه امریکا در دسامبر همان سال به این اعتراض جوابی به شرح زیر داد:

" علمای حقوق وقتی حد قدرت کشوری ساحلی را بر یک گلوله تسوپ تعیین کردند در واقع قاعده ثابت و بی چون و چرائی وضع نکردند بلکه کوشیدند تا در حدود امکان ضابطه ای بدست بدهند. والا کمی وزیادی برد گلوله تسوپ بستگی به شرایط تیراندازی و پیشرفت در امور بالستیک دارد. قضاوت بر اساس چنین منزلت موجب بروز اختلافات و کشمکش های بی شماری کرده. حوزة قضاوت هر کشور در دریا میبایستی به وقت تعیین گردد و به نظراضا کننده زیر با توجه به این نکته ساسی بود که قاعده مایل دریایی وضع و پذیرفته شد. علمای حقوق در مورد دریای سرزمینی قاعده ۳ مایل را بوضوح تأیید کردند. اگرچه راست است که تمام کشورهای قاعده مذکور را تأیید نمی کنند و آنرا در باره خودشان لازم الرعایه نمی دانند. معذالک ایالات متحده در این زمینه روی ۳ نکته تأکید کامل می کند و تذکرات آنرا ضروری دانند. اول اینکه حد سه مایل دریای را اکثریت کشورهای پذیرفته اند. دوم اینکه هیچ قاعده دیگری که نسبتاً جنبه کلی داشته باشد مورد تأیید قرار نگرفته است. سوم اینکه اگر کشوری در صدد تعیین حد بیشتری برای خود برآمده است مسلماً با تکی بر نیروی دریایی اش بوده است و این امر مخالف تفاهم

عمومی است که بر سر برد گلوله تسوپ یعنی سه مایل دریای حاصل شده است. بنا بر آنچه مذکور افتاد ایالات متحده حاضر نیست قبول کند که اسپانیای بدون جلب توافق ملل دیگر کامیست خود را بر قسمتی بیش از سه مایل از ساحل بر دریای آزاد برقرار رونیجست" ایالات متحده را از حق که ما نند سایر ملل دیگر دریای آزاد دارم محروم کند". اسپانیای دستا زداعای خود بر نداشت قرار شد اختلاف برای داوری به پادشاه بلژیک ارجاع شود ولی داوری مذکور صورت نگرفت و حکمی در این مورد که میتوانست جنبه رویه قضائی پیدا کند صادر نگردید.

کنفرانس جاسمه ملل

جاسمه ملل در سال ۱۹۳۰ اعضای خود را به کنفرانسی در لاهه فراخواند و موضوع دریای سرزمینی را در دستور کار کنفرانس قرار داد. از پرسش نامه ها ئی که قبل از تشکیل کنفرانس برای اعضا فرستاده شد و پس از تکمیل به دبیرخانه جاسمه ملل عودت داده شده بود چند نکته استنتاج میشد. یکی اینکه کشورهای عضو همگی معتقد بودند که هر کشور حق دارد که بر بندای از آب دریای دور تا دور ساحل خود داشته باشد. اما در مورد عرض آبی که بین میان نظرات دولتها تفاوت وجود داشت. دیگر اینکه اکثر کشورهای با عرض سه مایل دریای موافق بودند در صورتیکه برخی از آنها عرض دریای سرزمینی خود را ۳ مایل، به شش و حتی دوازده مایل دریای رسانده بودند. از این گذشته بعضی از کشورهای معتقد بودند قاعده سه مایل دریای با بد مورد تجدید نظر قرار گیرد و عرض دریای سرزمینی رسماً در چهار روش و حتی هیجده مایل تثبیت و اعلام گردد.

بررسی حدود دریای سرزمینی به کمیسیون دوم کنفرانس لاهه محول شد. از استدلالات و تبادل نظرات در کمیسیون مذکور نتیجه تمنا نتیجه مثبتی بدست نیامد بلکه قاعده سه مایل دریای هم که از ضیات نسبی برخوردار بود بقول معروف تق و لقی شد. ژیدل (۲) عالم معروف حقوق و بنیان گذار حقوق دریای در کتابش " حقوق بین الملل دریای " درباره کار کمیسیون دوم کنفرانس چنین نوشت:

" امروز قاعده سه مایل بیتی است شکسته. این بت شکسته چنانچنین پیدا نکرده است."

کنفرانس سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد در تلاش خود برای جستن چنانچنینی برای قاعده سه مایل وحل و فصل مسائل دریائی دیگر بر پس از اقدامات مقدماتی مفصل سرانجام کنفرانس حقوق دریای در ژنو (مارس و آوریل ۱۹۵۸) تشکیل داد. کنفرانس مذکور که از هشتاد و هشت کشور آبی آن زمان سازمان ملل ترکیب یافته بود چند موافقتنامه مربوط به دریای آزاد یا بقولی قبه دریا - فلات قاره - حفاظت ماهی و حیوانات دیگر دریائی - رژیم حقوقی دریای سرزمینی امضا کرد. هر یک از موافقتنامه های مذکور پس از تصویب بیست و دو کشور امضاء کننده قوت قانونی پیدا می کرد.

کنفرانس حقوق دریای در تعیین عرض سرزمین دریائی و وضع قاعده کلی و قابل قبول همگانی توفیقی حاصل نکرد. هشتاد و هشت کشور عضو کنفرانس در مورد وسعت دریای سرزمینی به سه گروه سنتی - میانرود و افزون طلب تقسیم شدند. گروه سنتی که از بیست و یک کشور تشکیل شده بود در رأس آنها ایالات متحده و بریتانیا ای کبیر و فرانسه و بلژیک قرار داشتند معتقد بودند که پهنای دریای سرزمینی باید همان سه مایل باقی بماند. گروه میانرود که از دوازده کشور منجمله ایران



ترکیب یافته بود شش مایل را بعنوان قاعده پذیرفته بود. گروه افزون طلب که شامل بلوک شوروی و مالک عربی می شد طلب دوازده مایل بود. دلیل اینکه نیروهای معظم دریائی غربی (اتحاد شوروی آن زمان هنوز نیروی دریائی قابل توجهی نداشت) در حفظ و بهر کسی نشان دادن قاعده سه مایل اصرار میورزیدند این بود که می خواستند با کاستن از وسعت دریای سرزمینی قسمت های بیشتری از دریا را بعنوان دریای آزاد برای تأمین منافع نظامی و اقتصادی و سیاسی خود در اختیار داشته باشند. گروه افزون طلب برعکس دنبال وسعت از طرفی نا حیه وسیع تری را برای صید ماهی در اختیار داشته باشند و از طرف دیگر از حریم دریائی زیادهای در برابر اقدامات و مانورهای نیروهای معظم دریائی برخوردار گردند. چه سرزمین دریائی بنا به حقوق دریای جز لاینفک خاک کشور ساحلی است و از این جهت تمام زیر سلطه و حاکمیت آن کشور قرار می گیرد. این کیفیت شامل آسمان روی دریای سرزمینی نیست و می شود. حقوق دریای جز حق عبور بی ضرر آن هم تحت شرایطی حق دیگری برای کشور در دریای سرزمینی کشور دیگر قائل نیست.

حق عبوری ضرر " خارج از بحث کنونی است. تنها به این نکته اشاره می کنیم که بنا به همین حق بود که سروکله ناوگان امریکائی در دریای سرزمینی اتحاد شوروی یعنی در فاصله چهار مایلی ساحل آن کشور و واسط ماه مارس امسال پیدا شد.

نخستین کنفرانس حقوق دریای در ژنو داشت به پایان می رسید که ایالات متحده از درمخالجه درآمد و پیشنهاد کرد که شش مایل دریائی بعنوان حد دریای سرزمینی مایل دیگر بمنظور آن منطقه ما هیچ گیری اختصاصی به آن علاوه گردد و این مسافات بصورت قاعده برای تمام کشورهای درآید. این پیشنهادها به شرطی نپذیرفته شد و آن این بود که " حقوق تاریخی " کشورهای که از پنج سال پیش در آبیهای منطقه اختصاصی صید می کردند محفوظ بمانند. اگر قاعده در کنفرانس ژنو تصویب پیشنهاد امریکا اکثریت مطلق می بود پیشنهاد امریکا که از پیشنهاد های دیگر بیشتر رای آورده بود به تصویب می رسید. ولی قاعده بر این است که پیشنهادها با دولت آراء تصویب شود و پیشنهاد مذکور دولت آراء لازم را نیآورد در نتیجه به تصویب نرسید و به صورت توصیه کنفرانس و املاً " قاعده بین المللی در نیامد.

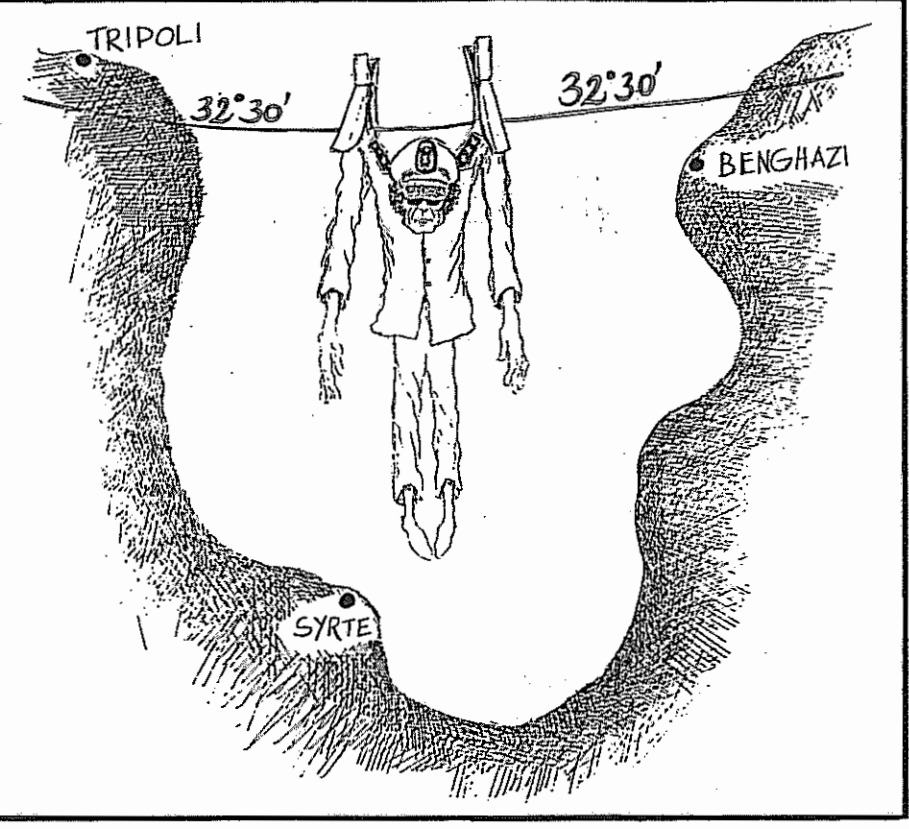
تصور نمی کنم در هیچ مورد تحت آراء و اختلاف نظرات میان کشورهای صنعتی پیشرفته و مالک جهان سوم با ندادن آراء که در کنفرانس های متعدد حقوق دریای پدید آمدن هر شده باشد. معذالک دو قاعده یکی با اصلاح منفی و دیگری مثبت وضع شد. قاعده منفی این بود که هیچ کشوری حق ندارد بیش از دوازده مایل آب دریای را بعنوان سرزمین دریائی

بخود اختصاص دهد. قاعده دوم این بود که کشورها حق دارند علاوه بر دریای سرزمینی یک منطقه مجاور و یک ناحیه اقتصادی اختصاصی داشته باشند. در مورد پهنای منطقه مجاور ناحیه اقتصادی اختصاصی توافق لازم بعمل نیامد. در نتیجه دریا چون گوشت قربانی لا اقل روی کاغذ به تاراج رفت. کار تاراج بجائی رسید که کشورهای امریکائی لاتین در مرکز و جنوب این قاره به دنیا اعلام کردند که منطقه مجاور ناحیه اقتصادی اختصاصی هر یک تا دو بیست مایل امتداد پیدا می کند. عجب اشتها ئی!

ادعای قذافی

با توجه به جزئیاتی که در بالا راجع به دریای سرزمینی مذکور افتاد صحبت و تقسیم ادعای قذافی را میتوان ارزیابی و در باره آن قضاوت کرد. حال ببینیم قذافی چه می گوید. او مدعی است که تمام می خلیج سیرت که دهانه آن ۲۷۵ مایل عرض دارد و طولش تا ساحل لیبی به ۱۵۰ مایل بالغ می گردد جزئی از خاک این کشور است. از ۲۲ درجه عرض شمالی که زده شده خلیج سیرت می گذرد به بالا تا ۱۲ مایل دریای سرزمینی لیبی است. از این نقطه به بعد منطقه اقتصادی اختصاصی این کشور شروع میشود و عرض به ۱۸۸ مایل بالغ می گردد. به این ترتیب آبیهای تحت حاکمیت لیبی تا ساحل جزیره مالک واقع در وسط دریای مدیترانه را هم پیدا می کند. دعوی خود را قذافی نخست در سال ۱۹۷۳ مطرح کرد و از سال ۱۹۸۱ به بعد آن را مرتباً طی یادداشت های رسمی به اطلاع کشورهای خارجی می رسانید. در یادداشت های مذکور که آخرین آن در ژوئن ۱۹۸۵ ارسال شد لیبی اظهار می دارد از آنجا که خلیج سیرت برای امنیت لیبی اهمیت حیاتی دارد و داخل این کشور قرار گرفته است تمام کشتیها و اشخاصی که در آن هستند تحت حاکمیت دولت لیبی میباشند و دولت مذکور برای تأمین کنترل کامل خود بر خلیج سیرت در صورت لزوم به قوه قهریه توسل خواهد جست.

بقیه در صفحه ۴



مجلس اعیان انگلستان :

سؤال از دولت درباره صدور اسلحه به ایران

باشد به ایران جلوگیری نماید؟
لردیاینگا وگرافهام - بله، وزارت
امور خارجه و امورکشورهای
مشترک المنافع با مقامات دولتی
امریکا درباره جهات مختلف جنگ
ایران و عراق از جمله موضوع ارسال
لوازم دفاعی در تماس نزدیک است.

لرد ویلیام والول : جنابان لردها
تصویری کتم در اینجا مسئله دیگری نیز
 مطرح است. شرکت ملی نفت ایران در
 این کشور به عنوان یک شرکت بازرگانی
 محصولات نفتی مستقر گردیده است.
 چنانچه دفاعی ترین شرکت برای مقاصد
 سواهی آنچه که برای آن استقرار یافته
 مورداستفاده قرارگیرد بنا براین
 اظهاراتیکه در این مورد بیهوده آداره
 مالیات داخلی داده شده است ممکن
 است برخلاف حقیقت باشد. آیا جنسب
 لردمواقتدا رندکهداره مالیات
 داخلی در این صورت دارای اختیارات
 لازم به موجب قانون مالیات بردرآمدو
 مالیات بر شرکتها مصوب ۱۹۷۰ بوده و
 می تواند فعالیت این شرکت را مورد
 بررسی قرار دهد، مخصوصاً در مورد
 هزینههای تجاری در صورتی که چنین
 فعالیت انجام شده باشد؟

لردیاینگا وگرافهام : بله جنابان
 لردها ولی ما یکم به جناب لرد اطمینان
 بدهم که ما هیچ گونه مدرکی دربارها
 انجام چنین فعالیت از طرف شرکت ملی
 نفت ایران نداریم.

لرد می هیو : جنابان لردها وقتی جناب
 لرد می گوید که دولت مدرکی ندارد آیا
 مفهوم آن اینست که دولت تحقیقی در
 باره این شرکت به عمل نیاورده است؟
 لردیاینگا وگرافهام : جنابان لردها؛
 فکرمی کتم در کلیه موارد بهتر است
 گفته شود که دولت مدرکی در آن مورد
 ندارد و بالنتیجه نمی تواند توضیح
 بیشتر بدهد. چنانچه تحقیقاتی انجام
 شده باشد یا خیر با توجه به اخذ نتیجه
 لازم از آن تحقیقات، بنظر من صلاح
 نیست که ما آن را به این طریق عنوان
 نمائیم.

گزارش خبرنگار رقیام ایران از لندن

چهارتن از اعضاء مجلس لردها درباره
 صدور اسلحه قاچاق امریکائی از طریق
 انگلستان، دولت انگلیس را در جلسه
 ۱۷ مارس ۱۹۸۶ مورد سؤال قرار
 دادند.

در این بحث پارلمانی نمایندگان شرکت
 ملی نفت ایران در لندن متهم به
 مشارکت در صدور اسلحه قاچاق به ایران
 گردید.

لرد کینگ که از طرف دولت انگلیس به
 این سؤال پاسخ می داد از دادن جواب
 صریح به پرسشها و تکذیب اصل موضوع
 خودداری کرد.

مذاکرات مجلس لردهای انگلیس مورخ ۱۷
 مارس ۱۹۸۶
 لرد مک نیلر - جنابان لردها اجازها
 می خواهم سؤال زیر را که در دستنور
 مذاکرات قید شده مطرح سازم:

از دولت علیا حضرت ملکه انگلیس سؤال
 می نمایم که آیا می توانند آنها مت
 وارده از طرف مجله فوربز (فوربز)
 ۲۷ ژانویه ۱۹۸۶ را دربار این که
 دفتر شرکت ملی نفت ایران در لندن در
 مورد قاچاق لوازم مسروقه جنگی ساخت
 امریکا به ایران همدستی دارد تأیید
 نمایند یا خیر و در صورت مثبت آیا این
 امر قانع کننده است؟

وزیر کار (لردیاینگا وگرافهام) :
 جنابان لردها، دولت در این مورد مدرکی
 ندارد و لذا نمی تواند درباره این
 اتهامات اظهار نظر نماید. صدور لوازم
 جنگی از انگلستان به کلیه مقاصد
 ممنوع است مگر این که کالاهای صادراتی
 دارای پروانه لازم باشد، مشروط بر
 این که کالاهای مذکور در مقاله مجله
 فوربز در انگلیس به سرعت نرفته باشد
 و از انگلستان صادر نشده باشد، طبق
 قوانین انگلیس هیچ نوع جرمی
 صورت نگرفته است.

لرد مک نیلر : جنابان لردها، آیا جناب
 لرد می توانند این بگوید که دولت
 علیا حضرت ملکه انگلیس از طرف دولت
 امریکا تقاضای برای کمک دریافت
 نموده است که از ارسال وسائلی که به
 طور غیرقانونی از امریکا تحصیل شده

سفر جرج بوش به کشورهای خلیج فارس

به گزارش خبرنگاری فرانسه، دیشب
 جرج بوش، معاون ریاست جمهوری
 امریکا، در حلقه ای از محافظان
 بی شمار و تدابیر بسیار شدید امنیتی،
 سفر رسمی خود به سوی خلیج فارس را
 آغاز کرد.

طبق گزارش خبرنگاری فرانسه، جرج
 بوش که در مرحله نخست سفر خود وارد
 فرانکفورت گردیده روز شنبه، فردا
 عازم ریاض و از آنجا به ترتیب رهسپار
 بحرین، عمان و یمن شمالی خواهد
 گشت.

گفته می شود که دو ساله، نخست و
 جنگ جمهوری اسلامی و عراق، در این
 گفتگوهای جرج بوش با مقامات سعودی
 قرار خواهد داشت.

خبرگزاری فرانسه می افزاید :
 البته واشنگتن وانمود می کند که
 بوش طی مذاکراتش با مقامات سعودی
 خواستار کاهش میزان تولید نفت
 این کشور نخواهد شد، اما شخص وی در
 مباحثه مطبوعاتی روز سه شنبه خود
 اعلام کرده بود که لزوم جلوگیری از
 سقوط قیمت نفت را در مذاکراتش مورد

تأکید قرار خواهد داد. بدیهی است،
 جلوگیری از سقوط بهای نفت بدون کاهش
 تولید نفت عربستان سعودی مقدور
 نخواهد گشت.
 به نوشته خبرنگاری فرانسه، جرج بوش
 در گفتگوها پیش ببرامون جنگ ایران و
 عراق، تأکید را روی مسأله تحکیم
 دفاع این ممالک در برابر خطر گسترش
 جنگ قرار خواهد داد. لازم به
 یادآوریست که کاخ سفید از تکلیف
 امریکا اجازها خواسته است که برای
 تقویت بنیه دفاعی عربستان سعودی،
 به این کشور مقداری سلاح پیشرفته و
 موثک بفرشد، که ارزش آن، بالغ بر
 ۲۴۵ میلیون دلار خواهد بود.
 یک خبردیگر حاکی از آنست که ممبر
 قذافی نمایندگان نزد مقامات سعودی
 اعزام کرده است تا ریاض را واسطه
 بهبود روابط خود با امریکا قرار
 دهد، اما به نوشته خبرنگاری فرانسه
 دولت امریکا حتی پیش از ورود جرج بوش
 به عربستان سعودی، این تقاضا را رد
 کرده است.

خبرگزاری فرانسه ۵ آوریل

ابراهیم یزدی در امریکا

شرح زیر، قسمتی از مقاله ای است که در شماره ۱۸ دیماه ۱۳۶۰ قیام
 ایران منتشر شد و اما اکنون که آقای دکتر یزدی به ایالات متحده امریکا
 مسافرت کرده است، تکرار آنرا مناسب حال دیدیم.
 ملاحظه میفرمائید که آقای یزدی سوگند یاد کرده است که "بموجب قانون
 هرگونه مأموریتی که برای حفظ منافع عالی ایالات متحده امریکا" به
 وی محول گردد، انجام دهد و لاقبل باید این صفت وفاداری به سوگند
 را برای اوقاثل باشیم. باید به این سؤال جواب بدهیم که آیا این
 سفر مأموریتی برای حفظ منافع عالی است؟ بهتر حال آنچه که واقعا
 تماما می باشد، قرار گرفتن امضاء آقای دکتر یزدی پای اعلامیه تاسیس
 "جمعیت دفاعی از آزادی و حاکمیت ملت ایران" است، جمعیتی که به
 ابتکار آقای مهندس مهدی بازرگان در جمهوری اسلامی تأسیس شده است.
 و از آن تماشا می ترانیکه در مواد منشور، "مبارزه با استبداد اسلامی
 بیگانگان" تأکید بسیار شده است. ظاهرا "آقای مهدی بازرگان"
 می خواهد با امثال دکتر یزدی، با استیلای بیگانگان مبارزه کند!

اول دسامبر ۱۹۸۱ یکی از خبرنگاران
 روزنامه معتبر واشنگتن پست از دولت
 امریکا تقاضا کرد که پرونده ابراهیم
 یزدی، تبعه ایالات متحده را در اختیار
 آن نشریه بگذارد تا معلوم شود چگونه
 یک تبعه امریکا توانسته است در یک کشور
 دیگر، یعنی ایران، به مقام وزارت
 خارجه برسد.
 پیرو درخواست این روزنامه نگار، دولت
 امریکا پاسخ داد که طبق مفاد قانون
 حفظ اسرار اتباع امریکائی و دلایل
 امنیتی، ارائه پرونده ابراهیم یزدی
 میسر نیست. اما پاسخ دولت امریکا
 این خبرنگار کنجکا و حرفه ای را قانع
 نکرد و وی مجدداً از طریق مراجع
 رسمی دادگستری تقاضای خود را تکرار
 کرد، ولی این بار نیز دولت امریکا، که
 اکنون با قوه قضائیه طرف بود به همان
 پاسخ نخست متوسل گردید و اعلام کرد که
 با اتکاء به قانون حفظ اسرار زندگی
 خصوصی اتباع امریکایی، از ارائه
 پرونده ابراهیم یزدی معذورا است.
 حال، در پرونده آقای یزدی، تبعه
 دولت امریکا، چه اسراری نهفته است
 که آن دولت با چنین با فشاری، افشای
 آن را مغایر با منافع عالی ایالات
 متحده میدانند، مسأله ساده ایست
 که می توان به راحتی آن را حدس زد، اما
 آنچه جالب توجه است، سوگندی است
 که آقای دکتر یزدی هنگام پذیرفتن
 تبعیت آن کشور را ندهد تبعه جدیدی
 ایراد و به آن عمل کرده است. از آنجا
 که متن سوگند نامه آقای ابراهیم یزدی
 در مقابل دولت امریکا بسیار گویا، و
 خود بهتر از تفسیری در این زمینه
 است، توجه شما را به متن آن جلب
 می کنیم:

☆ ☆ ☆
 این ترجمه دقیق و کلمه به کلمه سوگندی
 بود که آقای ابراهیم یزدی در مقابل
 مقامات دولت امریکا یاد کرد و این همان
 کسی است که در روزهای نخست پیروزی
 توطئه خمینی، در مقام رئیس
 دادگاههای انقلاب، دهها بیگناه را
 بداتهام وابستگی به امریکا به قتل
 رسانید.

جالب ترین که، این تبعه قسم خورده
 امریکا، در راه جناح نمایی به اصطلاح
 ضد امریکایی و انقلابی رژیم هم قرار
 گرفته، و حساس ترین سمت های مملکت
 را برای ویرانی ایران و اجرای طرح از
 پیش تعیین شده اش برعهده داشت. وی
 به ترتیب عضو شورای انقلاب، معاون
 نخست وزیر در امور انقلاب، مؤسس
 سپاه پاسداران، رئیس دستگاه
 امنیتی رژیم، وزیر امور خارجه، نماینده
 رژیم در مور شهرستانها، سرپرست
 مؤسسه کیهان بود و امروز نیز نماینده
 مجلس شورای اسلامی است.

مراسم هفتمین روز درگذشت آیت الله شریعتمداری

در صحن حضرت معصومه

جبهه متحدملی ایران ضایعه ارتحال
 عالم جلیل القدر، فقیه ومرجع مسلم عالم
 تشیع حضرت آیت الله سیدکاسم
 شریعتمداری قدس سره را به طمس
 می رساند.
 درگذشت ایشان بعد از چهل روز بیماری در
 حالی که امکان معالجه آن در خارج
 وجود داشت و خودداری رژیم علیرغم
 فشارهای داخلی و خارجی و درخواست های
 مکرر علمای عظام، از اعزام ایشان به
 خارج و حتی عدم انجام وصیت آن مظلوم
 نشان دهنده عمق فاجعه ای است که
 امروز ملت ایران در برابر آن قرار
 دارد.

انجام مراسم تدفین این شخصیت بزرگ
 مذهبی در شرایط خفقان و اینکه فقط
 به افراد درجه اول بیت معظم له اجازه
 حضور در مراسم داده شده نشان دهنده
 عمق وحشی است که عمال رژیم از
 حقانیت فکرو راه ایشان داشته است و
 دنیای بر مظلومیت ایشان می باشد.

ضمن محکوم کردن قاطعانه عملکرد عمال
 رژیم از همه اقشار ملت ایران میخواهیم
 که با شرکت فعالانه خود در مراسم که به
 منظور بزرگداشت آن مرجع بزرگ شیعه
 برپا می گردد مخالفت خود را با رژیم
 خمینی ابراز نمایند.
 ملت قهرمان ایران
 سکوت در برابر تبعذبات عمال رژیم آنان
 را در ادامه تجا و زنان به حقوق ملت
 جری ترمی سازد. اگر ملت ایران امروز
 در برابر عمل این رژیم نایستد و رژیم
 را بخاطر این توطئه محکوم نکند اگر به
 محبوس کردن حضرت آیت الله العظمی

طباطبائی قمی اعتراضی نکنند و اگر
 رژیم را بخاطر دستگیری و محبوس کردن
 حضرت آیت الله مادی روحانی رسوا
 نکنند فردا و فرداهای دیگر در انتظار
 سرنوشتهی بسیار دشوارتر از امروز باشد.
 جبهه متحدملی ایران با کسب اجازه از
 حضور مراجع تقلید و علمای عظام جهت
 تحلیل از مقام معظم شیعه مرحوم
 حضرت آیت الله العظمی سیدکاسم
 شریعتمداری شب هفتایشان را در صحن
 حضرت معصومه علیه السلام برگزار
 خواهد کرد.
 جبهه متحدملی ایران با ردیگره رژیم
 خمینی هتاد می دهد که دست از مقابله
 با خواست های مشروع ملت ایران بردارد.

دفتر سیاسی جبهه متحدملی ایران
 تهران - ۶۵/۱/۱۵

دعوی ریگان - قذافی

بقیه از صفحه ۲

دولت‌های خارجی چندبار دعای قذافی را با آوردن دلائل حقوقی وتاریخی رد کردند و اظهار داشتند دعوی لیبی مبنی بر اینکه حق حاکمیت خود را بر اساس سنت‌های تاریخی اعمال می‌کنند به هیچوجه قابل قبول نیست زیرا عثمانی‌ها وایتالیایی‌ها که بر لیبی حکومت می‌کردند هیچوقت چنین حقی در خلیج سیرت برای خود قائل نبودند. از نظر حقوقی تصاحب خلیج سیرت کاملاً غیرقانونی است و با موافقت ناممه بین المللی حقوق دریا که در دسامبر ۱۹۸۲ به امضای ولیدی آنرا در دسامبر ۱۹۸۴ بدون هیچگونه قید و شرطی امضا کرده است مغایرت دارد. بنا بر این نه الزامات جغرافیایی و نه از حیث تاریخی خلیج سیرت را نمی‌توان آب داخلی یا زبانه آب دریا می‌دانست که در خاک پیشرفته باشد تلقی کرد. ایالات متحده آمریکا موافقت ناممه حقوق دریا را که در دسامبر ۱۹۸۲ بسته شد امضا نکرده است ولی قاعده مصرحه در موافقت ناممه مذکور مبنی بر اینکه پهنای دریای سرزمینی نباید از ۱۲ مایل تجاوز کند قبول دارد. ایالت مطلب را سخنگوی وزارت امور خارجه ایالات متحده ۲۴ مارس پارادکس تأیید کرد و افزود تا آنجا که ایالات متحده اطلاع دارد دعوی لیبی را فقط دولت جمهوری آفریقای بوریکناسو (ولتی علیا سابق) که دست‌نویس سنگ قذافی است به رسمیت شناخته است.

جنبه سیاسی دعوی

ایالات متحده از سال ۱۹۷۲ که قذافی تمام خلیج سیرت را ملک طلق لیبی اعلام کرد با اورسا "جبهه اتحاد" دستگاه اداری ریگان نیز از آغاز بنا قذافی رفتاری کرد که با جانیان می‌گفتند. زیرا او را عامل قسا دوما به عدم ثبات درخا ورمیانه و تعزیه گردان تروریسم بین المللی میدانند. در ماه اوت ۱۹۸۱ دوهواپیمای اف - ۱۴ آمریکا که دوهواپیمای شکاری لیبی ساخت شوروی را روی خلیج سیرت سرنوگون کردند. در اوایل دسامبر گذشته لیبی موشکهای ساخت شوروی را که بردشان در حدود ۲۴۰ کیلومتر می‌باشد کار گذاشت. موشکهای مذکور قذافی دوهواپیمای اکتشافی را هدف گیری کند ولی برای هواپیماهای شکاری وجنگنده‌های سریع السیر خطری نداشت. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا درباره استقرار موشکهای مذکور اظهار داشت:

"موشکهای ۵۸۰ اس تناسی بنا احتیاجات امنیتی لیبی ندارد. در عین حال حاکی از گسترش نگران کننده روابط تسلیحاتی طرف ابلس و مسکو می‌باشد. ایالات متحده توجه گرمی را به این موضوع جلب کرد ولی جواب قانع کننده‌ای نداشت.

یک هفته بعد عملیات تروریستی در فرودگاههای رم و وین صورت گرفت و مقامات آمریکا نخست از اسرائیل خواستند که لیبی را تنبیه کند. اسرائیل چندان رعیتنه به دلیل گرفتاریهایی که در جاهای دیگر داشت از خود نشان نداد. در نتیجه فکرتودهنی نظامی به قذافی تبدیل به مجازات‌های اقتصادی گردید. به آمریکا شیخ‌ها که در لیبی کاسب بودند یا در صنایع نفت کار می‌کردند دستور داده شد این کشور را ترک کنند. هیچ یک از متحصن‌دان ایالات متحده در اروپا حتی انگلیس حاضر نشد بخاطر سودی که از قبالت تجارت و کسب و کار در لیبی می‌برد با واشنگتن همکاری کند. از شرح جزئیات زود خوردی که در خلیج سیرت با پرتاب موشک‌های لیبی به سوی ناوگان آمریکا از آغاز زود رویا غرق دونا و چسبه لیبی و کوبیدن پایگاه موشکی بنسدر سیرت و بهلاکت رسیدن دو بیست ملوان لیبی پایان پذیرفت صرف نظر می‌کنیم و به نقل قول از لاری اسپیکس سخنگوی وزارت امور خارجه ایالات متحده اکتفا می‌نمایم که یک روز بعد از آغاز زود خوردی گفت:

"همانطور که میدانید ما از سال ۱۹۸۱ به این طرف هفت مرتبه به اصطلاح

آمریکا پیشنهاد لیبی را رد کرد

احتمالی مانند اتریش، یونان، مالت، ایتالیا و مراکش آگاهانه داده است که هیچ رغبت و علاقه‌ی بی‌کفایت و گوی مستقیم یا غیرمستقیم به سرهنگ قذافی ندارد. واشنگتن قذافی را با رها به پشتیبانی از تروریسم بین المللی متهم ساخته است. از سوی دیگر، خبرگزاری فرانسه گزارش داد که کاخ سفید، هرگونه مذاکره‌ی با لیبی نخواهد به مناسبت با زید جرج بوش از ریاض، به واسطه عربستان سعودی با آمریکا انجام دهد رد می‌کند. "لری اسپیکر"، سخنگوی کاخ سفید دیروز گفت اگر رژیم قذافی میل دارد در صحنه بین المللی به رژیم قابل قبول تبدیل شود، باید به سیاست‌ها و کردارهای نامعقول خود پایان دهد و نشان دهد که حاضر است که عضو سازمان متدین شود.

وی افزود تریبولی به چندین تلاش آشتی خواهانه دست زده است، اما ما به این تلاش‌ها پاسخ نداده‌ایم. بر اساس سخنان لری اسپیکر، آمریکا حاضر نیست میانجی‌گری عربستان را میان واشنگتن و تریبولی بپذیرد.

واشنگتن بست - سوم آوریل ۱۹۸۶

واشنگتن بست گزارش داد که آمریکا درخواست سرهنگ قذافی را برای مذاکره با مقام‌های واشنگتن پس از برخورد‌های نظامی خلیج سیرت، رد کرده است. به گزارش واشنگتن بست، سرهنگ قذافی در چارچوب تلاش برای مذاکره با آمریکا، دوشنبه بلندن با هیئت لیبیایی را به عربستان سعودی گسیل داد. این دو تن عبارت بودند از خوشبین‌الجمیدی عضو شورای انقلاب و علی تریکی، وزیر امور خارجه پیشین لیبی. قذافی امیدوار بود که ملک فهد، پادشاه عربستان سعودی، پیامی را از جانب وی به جرج بوش، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا که قرار است شنبه از ریاض بازدید به عمل آورد، تسلیم کند.

واشنگتن بست به نقل از مسئولان بلندن با هیئت حکومت ریگان می‌نویسد: آمریکا قصد ندارد به زست‌های آشتی طلبانه قذافی پاسخ دهد. آن‌ها افزوده‌اند که آمریکا پس از وقوع سوءقصد‌های خونبار در فرودگاه‌های وین و رم نیز چندین بار تقاضای تریبولی را برای مذاکره رد کرده‌بود، همین منابع به واشنگتن بست گفته‌اند که آمریکا به میانجی‌های

تروریسم بین المللی در سیاست آمریکا روز بروز اهمیت بیشتری پیدا میکنند. لذا ما نوردریای در خلیج سیرت را باید بیشتر گویسالی یک تروریست دانست. در نقشه‌ها نوردریای اخیر عکس العمل مسلحانه لیبی دقیقاً "پیش‌بینی شده بود و مکان عملیات جنگی دانسته‌دار علیه قذافی محاسبه و سکوی پرتاب موشک در بندرسیرت از قبیل هدف‌گیری شده بود.

ما نوردریای اخیر را نظارن امور سیاسی شما نهنه دیگری از تحمیل روش ایالات متحده می‌دانند. علت این تحول را باید در اعتقاد درون‌الدریگان با اینکه ایالات متحده در حال حاضر برخلاف دوران کارتر روی پرمرفته از لحاظ معنوی نظامی و اقتصادی از اتحاد شوروی به نفع محسوس پیشی گرفته است. جستجو کرد. ریگان از آغاز زما مدار خود اظهار می‌داشت که در برابر حریف زمین در نمی‌رود و از رویا رویی باکی ندارد و حاضر است کمک لازم را به کما نیکه با ارتش شوروی جنگ با رژیم‌های طرفدار کمیلین مبارزه می‌کنند برسانند. سخنان رئیس‌جمهوری ایالات متحده در سالهای اول خلیج سخت و زنده بود ولی در اقداماتش جانب احتیاط را رعایت می‌کرد زیرا در محافل دولتی ایالات متحده اعتقاد بر این بود که اتحاد شوروی از لحاظ نظامی برای ایالات متحده برتری دارد. ولی با گذشتن زمان مقامات مسئول آمریکا می‌باشند به نتیجه رسیدند که تلاش فوق العاده ایالات متحده در راه نوسازی و تکمیل زرادخانه آن کشور موجب برتری نظامی آمریکا بر روسیه شوروی شده است. از این گذشته اتحاد شوروی گرفتار رکود اقتصادی شدید شده است و با تعهدات فراوانی که در گذشته و کناره دنیا برای خود فراهم آورده است دست‌وپای خود را در جنا گذاشته است. این دو نکته یعنی برتری اتحاد آمریکا و گرفتاریهای سنگین اتحاد شوروی اساس پیام سال نو ریگان را تشکیل داد. حال عقیده مقامات آمریکا برای اینستکه مسکودر موضع دفاعی قرار گرفته است و واشنگتن میتواند بدون ریسک یا خطرا احتمالی زیاد بقول معروف پا روی هر حرفی بگذارد و دولتهای دست‌نشانده آنرا علناً به مبارزه نظامی بطلبند.

این مبارزه طلبی خاصه در مورد قذافی بهیچ وجه نمیتواند موجب انصراف نامبرده از شیطنت و مفسده جوئی شود. چهسا که افزون هم خواهد شد. این نکته بر مقامات آمریکا می‌پوشیده نیست. از این گذشته واشنگتن امید هرگونه سازش با قذافی و اورنگار از راه مذاکره از دست داده است و به این نتیجه قطعی رسیده است که با آن دونهایم مذاکره کرد. پس فایده این اقدامات در مبارزه با تروریسم بین المللی چیست؟ به این صورت و مستقیماً هیچ، کلنجاری کسبه ایالات متحده با لیبی و نیکارگوشه می‌رود، در واقع پیامی است که به

از خط مرگ عبور کرده‌ایم. این بار هم عمل گذشته را تکرار کردیم. مطالب بالا را که مربوط به جنبه حقوقی مسئله است در سه نکته خلاصه می‌کنیم. اول اینکه ایالات متحده حق دارد در خلیج سیرت که آبهای بین المللی و آزاد است همه‌گونه حضور داشته باشد. زیرا بنا به نص صریح موافقت ناممه حقوق دریا که لیبی آنرا امضا و تصویب کرده است این کشور حق ندارد بیش از ۱۲ مایل از آب خلیج سیرت را بعنوان سرزمین دریا می‌دراختیار داشته باشد. دوم اینکه پاسخ ناوگان آمریکا می‌بایست به تیراندازی لیبی دفاع مشروع بوده است. سوم اینکه ایالات متحده در کوبیدن سگان پرتاب موشک در بندرسیرت و غرق دونا و گان لیبی در دفاع مشروع تناسب را بین حمله و ضد حمله رعایت کرده است. بنا بر این از لحاظ حقوقی هیچ ایرادی این بار به ایالات متحده نمیتوان گرفت.

فایده و منظور از این عملیات چیست؟ مقامات رسمی ایالات متحده و مفسران سیاسی و ناظران اموری بین المللی به پرسش فوق جواب‌هایی دادند که خلاصه‌ای از آنرا نقل و ارزیابی می‌کنیم.

گاسپارو این برگر، وزیر دفاع ایالات متحده در جوابی به سؤال بلاطی مقاله‌ای در لوس آنجلس تایمز، منجمله نوشت:

"هدف ما هما نظور که از آغاز اعلام گردید بکری نشان دادن اصل آزادی دریا نوردی بود. تمرین‌های مادر آبپیمای بین المللی شناخته شده مدما بیل دورتر از ساحل کوشوری که ادعای پس‌گزار برای آبها در صورت گرفت. ایالات متحده کوشوری که ادعای پس‌گزار بود که از این آبها با اسلحه دفاعی استفاده کرد. ایالات متحده و اکثر کشورهای دیگر مؤظفند این قبیل دفاعی گزاف را از ناحیه هر کوشوری که باشد تخطئه کنند. ادعای لیبی چنان گزاف و مهمیل است که حتی اتحاد شوروی هم آنرا نپذیرفته است. برای اینکه ثابت کنیم چنین ادعاهای برای ما قابل قبول نیست در آبهای بین المللی دوران سواحل کشورهای دوست و دشمن عملیات دریا می‌انجام داده‌ایم. لیبی تنها کوشوری بود که به آزادی دریا توردی از آبهای بین المللی مخالفت علنی و تهدید به اسلحه گرد و تهدید را عملی کرد. عمل قذافی طبیعت غیرقانونی بی بنودی را غیرمستول رژیم اورا آشکار ساخت هیچکس حق ندارد مسامحه دریا نوردی در آبهای بین المللی یا هواپیما می‌در مسان آزاد کرده. هیچکس حق ندارد به ملتی که حق دریا نوردی خود را اعمال می‌کند تیراندازی کند. ایالات متحده مشغول عملیات دریا می‌مسالمت آمیز و قانونی بود. لیبیایی‌ها به پرتاب موشک‌های پرتا ختنده ممکن بود خسارت و تلفات سنگینی به نیروهای آمریکا وارد آورد. ما هم به دفاع مشروع و محدودی پرداختیم. اگر چه بی بهانه برای توسعه عملیات خمنانه علیه لیبی می‌گشتم مسلماً چنین بیانه‌ای دستمان آمده بود. ولی ما با رفتار خود ثابت کردیم که چنین منظوری نداشتیم. ما در مقام نیروی دریا می‌فراگیرنده نوعی مسئولیت در حفظ آزادی دریا نوردی نه تنها برای خودمان بلکه برای کشورهای دیگر نیز داریم. از این حق نه تنها در خلیج سیرت بلکه در تنگه هرمز ویا هر خط دریا می‌دیگری هم که مورد تهدید واقع ویا اینکه قرق شود دفاعی کنیم.

استدلال وزیر دفاع ایالات متحده تلاشی است برای رفع هرگونه سوء تفاهم. با این معنی برخلاف آنچه که عده‌ای تصور می‌کنند منظور از اجرای ما نوردریای در خلیج سیرت این نبود که قذافی را تحریک و اواداره عملیات جنگی علیه ناوگان آمریکا می‌کنند تا مستمک برای کوبیدن او و برافکندن رژیمش بدست آید. هدف حقا حق بود که قذافی با دعای گزاف و سخیف خود میخواست از ایالات متحده و کشورهای دریا می‌دیگر سلب کند. بدین ترتیب نیم‌کاسه‌ای زیرکانه وجود نداشت. اما مطلب به این سادگی نیست. ریشه‌ای به مراتب عمیق تر دارد. حقیقت امر اینستکه نقشه‌ها نوردریای در خلیج سیرت از مدتی پیش بدقت توسط سیا وزارت امور خارجه و دفاع آمریکا تهیه شده بود و ملاقات وزیر دفاع و رئیس ستاد مشترک با رئیس‌جمهوری به تصویب نهایی رسید. آنچه رئیس‌جمهوری آمریکا را آزار می‌دهد نقاشی اساسی است که قذافی در تروریسم بین المللی ایفا می‌کند. مبارزه با

این دو کوشوری فرستد به این معنی که از این به بعد با پدید آمدن که ایالات متحده دست به اقدامات شدیدتری نیز خواهد زد. از این گذشته کوشورهای دنباله‌رو و متکی به اتحاد شوروی اگر امید به کمک گرمین در روز مبارز داشته‌اند باید بفهمند که کشور خود خوانده‌اند. اتحاد شوروی احتمالاً موشک‌های دیگری برای لیبی نصب خواهد کرد اسلحه بیشتری هم برای نیکارگوشه خواهد فرستاد ولی حاضر به درگیری نظامی مستقیم با آمریکا بخاطر این دو کشور نخواهد شد. در محافل دولتی آمریکا اعتقاد بر این است که اتحاد شوروی بهیچ وجه نمی‌خواهد در امر مبارزه مرکزی ایالات متحده که این قسمت از جهان را حیات خلوت خود می‌داند درگیری نظامی پیدا کند. بنا بر این واشنگتن دست و پا از این منطقه خیلی بازتر از نقاط دیگر است. ولی در عین حال ایالات متحده در افتنا نسبت در مورد کمک به مجاهدین دست به عماره می‌برد بطوریکه بعضی از ناظران امور سیاسی معتقدند که واشنگتن افتنا نسبت را تا حدودی حیات خلوت اتحاد شوروی میداند. یکی از مقامات آمریکا گفته بود عکس العمل اتحاد شوروی بستگی دارد بجایی که به مبارزه طلبیده میشود. یکی از مفسران سیاسی نزدیک به ریگان از قول اودرها لند تریبیون نوشت:

"ریگان معتقد است که مسکو مادگی درگیری نظامی یا تهدید به آن را ندارد. ولی باید توجه داشت و بین مصالح فرعی و منافع حیاتی طرف فرق گذاشت. اشتباه در محاسبه ممکن است کار را به جاهای خیلی خطرناک و آلا" ناسودی همه چیز وهمه‌کس بکشاند.

در پایان این نوشته برسبیل اشاره به عکس العمل اقدام آمریکا علیه قذافی در محافل جهان عرب باید گفت که جزایران سوریه و تا حدودی الجزایر کوشور دیگر عربی پشتیبانی صریح و کاملاً از لیبی بعمل نیامد و اقدام آمریکا با لحن نسبتاً ملایمی در کنفرانس اتحادیه عرب تخطئه شد. کوشورهای عربی معتدل که با لیبی نه تنها دوست نیستند بلکه باطناً دشمن هم هستند برسبیل عربیت خود را ملزم به پشتیبانی میدانند ولی در عین حال رنجانند آمریکا را هم چا رنج می‌دانستند. آنچه آنها را از این وضع ناراحت بی‌شور آورد ادعای لیبی بر تمام خلیج سیرت بود. چنین ادعای مهملی آنها را از اتخاذ موضع علنی له قذافی معذور داشت. عکس العمل اتحاد شوروی هما نظور که پیش‌بینی میشد از حدود نفرین تجاوز نکند.

۱ -	Bynkershoek
۲ -	De Domino Maris
۳ -	1-Gidel

احمد میرفندرسکی

ایران و خاورمیانه



در مطبوعات بین المللی

انفجار بمب در هواپیما

یک سازمان جدید تروریستی بنام "سلول های انقلابی عرب-سلول القاسم" مسئولیت انفجار بمب در هواپیما...

برنارد کلب، سخنگوی دولت آمریکا اعلام کرده که نمایندگان سازمان امنیت داخلی آمریکا...

خبرگزاری فرانسه - چهارم آوریل ۱۹۸۶

کتابسوزان در لیبی

به گزارش روزنامه کوتیدین چاپ پاریس، دستور سرنگ قذافی مبنی برسوزاندن کتاب ها در لیبی...

لوکتیدین دوپاری - سوم آوریل ۸۶

شاپور بختیار:

خمینی حق ناشناس است

روزنامه "کوتیدین" چاپ پاریس، سخنان دکتر شاپور بختیار، رهبر نهضت مقاومت ملی ایران را درباره آیت الله شریعتمداری به چاپ رسانده است...

بختیار به "کوتیدین" اظهار می دارد: مرگ شریعتمداری، بار دیگر ثابت می کند که خمینی، حرمت هیچکس را نگه نمی دارد...

"فیگارو" دیگر روزنامه فرانسه می نویسد: مقام های جمهوری اسلامی، اجازه نداده شریعتمداری برای معالجه به خارج سفر کند...

خلافکارهای مجاهدین

کشی که سرپرستی یک موهسه خیریه ایرانی را برعهده گرفته بوده علت اعمال خشونت در جمع آوری اغانه از سمت خود کناره گرفت...

حلق آویز کردن مردم از جرحیبل ارائه می دهند. وبه مخاطبین می گویند نگاهداری هر خانواده ایرانی در پاکستان در ماه ۳۰۰ پوند...

تایمزلندن - ۳۱ مارس ۱۹۸۶

آیت الله خندان

روزنامه معتبر فرانکفورتر الگما پنه، با چاپ تصویری خندان از آیت الله شریعتمداری، می نویسد: او یک آزادیخواه واقعی بشمار می رفت...

فرانکفورتر الگما پنه - ۲۵ آوریل

روحانی وفادار به قانون اساسی

روزنامه "تایمز" چاپ لندن، می نویسد: شریعتمداری، در سخنرانی سال ۱۳۵۷ هنگامی که آشوب انقلابی خیان با ها را دومی نوردید، ناگزیر شد حکومت شاه را غیر اسلامی بخواند...

تایمز - ۱ آوریل

رادبو ایران سات های بحس برنامه
برنامه اول
برنامه دوم

تلفن خبری
همه شب ها ۲۴ ساعته
شماره تلفن: ۲۲۲۶-۸۵

فرهنگ ایران

آشنایی با متون فارسی

کلیله و دمنه اثری هندی و ایرانی

محمد جعفر محبوب

کتاب کشورداری،

سیاست و حکمت

این بود چند کلمه ، در نهایت اختصار در باره آن تا ریخته این کتاب با وجود آن محبوبیت و شهرتی که به پایمردی ایرانیان در جهان به دست آورده است ، اما مضمون خود کتاب چیست ؟ برای تحلیل تمام باب های کتاب باید کتابی جداگانه پرداخت و سروسره آن را نمی توان در نیمی از یک گفتار به بیان آورد . ولی اگر بخواهیم به اختصار در خور یک مقاله کوتاه در باب آن سخن بگوییم ، نخستین مطلب همان است که مذکور افتاد ، کلیله و دمنه کتاب علوم سیاسی ، قدیم ترین کتاب در این رشته است و موضوع آن راه و رسم کشورداری ، روش و منش پادشاه در برابر بزرگواران و وزیران و امیران ، طرز رفتار فرمان روا با مردم و این گونه مسائل است .

گفتیم که کلیله و دمنه دارای حدود ۲۰ باب است . طبیعی است که در هر یک از این ۲۰ باب از موضوعی جداگانه سخن می رود ، و گرنه بختی کردن آن به بیست قسمت اصلاً صورتی نداشت . با آن که باب های مقدمه ای کلیله بیشتر به بیان تا ریخته کتاب و شرح آوردن آن از هند به ایران اختصاص یافته ، با زهمان ها نیز از مطالب و منافع سیاسی خالی نیست ، اما متن اصلی کتاب ، از همان باب معسرف و شیر و گاو - باب الاسراف و الشور - آغاز می شود در آن باب داستان دوستی دو تن - پادشاه و وزیر - ، شیر و گاو ، است که بر اثر سخن چینی و فتنه انگیزی یکی از نزدیکان پادشاه ، شغالی حریص و جاه طلب به نام دمنه (در ادب هندی تمام جانوران نیز دارای شخصیت فرض می شوند و هر یک مانند آدمیان برای خود نامی دارند) بنای دوستی این دوخلل می پذیرد و در این میان خون گاو و به ناحق و بی گناه ریخته می شود پس از آن دیگر پیشمانی شاه (شیر) سودی ندارد . در اصل هندی کلیله این باب در هر میان جا پای می یابد و در باب بعد موضوعی دیگر مطرح می شود . اما ایرانیان پس از ترجمه کتاب بابی جداگانه پس از باب شیر و گاو آورده اند که در آن دمنه به سزای خیانت خویش می رسد و دروغ گویی و سخن چینی وی فاش می شود . شیر به محاکمه اوقربان می دهد . دمنه نیز میباید از است که با چرب زبانی و زبان آوری خود را از دام مرگ برهانند . اما دلایل بر ضد او قطعی و روشن است . کسای در دادگاه به خیانت دمنه شهادت می دهند و او به سزای خود می رسد . باب های دیگر نیز موضوع های از همین دست دارند .

روشن داستان سربازی این کتاب شیوه طرح داستان در داستان است و آن روشی است که اصلاً هندی است . بر طبق این روش نویسنده نخست داستانی را طرح میکند . قهرمانان داستان با یکدیگر به گفتگو می پردازند . در ضمن بحث یکی از دو طرف گفتگو - مثلاً - طرف را از پیشنهادی که کرده است بحرزمی دارد و بومی گوید اگر چنین کنی بر تو همان رسد که به فلان مار ، یا فلان ماهی خوار رسید . مخاطب می پرسد چگونه بوده است آن حکایت ؟

آن گاه سخن گوچکایت را نقل می کند و از آن نتیجه می گیرد و سپس باقی حکایت نخست ادامه می یابد . گاهی در طی یک داستان - یک باب - ده ها حکایت آغاز می شود و پایان می یابد و یا بدو پایان با ، یا بیان حکایت نخست است . گاه نیز داستان ها ، مانند پوسته های پیاز ، یکی در درون دیگری طرح می شوند و این روش تا طرح ۵ داستان در دل یکدیگر ادامه می یابد . سپس نخست آخرین داستان تمام می شود پس از آن داستان ماقبل آخر و بر همین قیاس تا پایان گفتگو که پایان نخستین داستان است .

بعضی داستان های کلیله و دمنه به وضعی شگفت انگیز با داستان های حماسه ملی ایران و نگاه با سرگذشت های تاریخی شباهت دارد . مثلاً نحوه فتنه انگیزی و سخن چینی دمنه در برابر شیر ، به قصد کشتن گاو که وزیر مشفق و ناصح اوست بسیار همانند است که به سخن چینی گریسوز برادر افراسیاب نزد وی به قصد نابود کردن سیاوش شاه زاده ایرانی .

نیز بابی دیگر از کلیله و دمنه - باب بوف و زاغ ، باب البوم و الغریبان - داستان وزیر است که به پادشاه

را از عربی به فارسی ترجمه کردند و امروز از میان آن ترجمه ها فقط دو اثر باقی است : یکی همان کلیله و دمنه نصرالله منشی معروف به کلیله بهرام شاه (چون بهامروبه نام بهرام شاه غزنوی ترجمه شد) و دیگری نسخه ای که اکنون یکی دوسالی است به وسیله استاد دگران مایه دکتر پروین تال خانلری یافته شده و به تصحیح و توضیح ایشان زیر عنوان داستان های بیدپای انتشار یافته است . این نسخه نیز در همان سال های ترجمه کلیله و دمنه در شهر مومل به فارسی برگردانده شده و ظاهراً مترجم از کار نصرالله منشی بی خبر بوده است . نشر داستان های بیدپای ساده تر از نشر کلیله و دمنه است .

دو سه قرن پس از رواج یافتن کلیله و دمنه ، بر اثر هجوم مغول و یورش های متوالی تیمور فرهنگ ایران روبه انحطاط رفت و خرده ها سستی گرفت و سوادها نقصان یافت و کلیله در نظر خوانندگان بسیار دشوار آمد . از این روی یکی از نویسندگان و واعظان قرن نهم موسوم به مولانا حسین واعظ کاشفی ، به منظور ساده کردن کلیله و دمنه تحریری تازه از آن انتشار داد و آن را " انوار سهیلی " نام نهاد . انشوار سهیلی فقط تحریری تازه و ساده از کلیله و دمنه نیست بلکه مؤلف دخل و تصرف های بسیار در آن روا داشته است .

اهمیت این تحریر تازه حسین واعظ آن است که نخست بار کلیله و دمنه از راه ترجمه این کتاب به اروپائیان معرفی شد . انوار سهیلی اندک مدتی پس از انتشار تحت عنوان " هما یون نامه " از فارسی به ترکی عثمانی ترجمه شد و سلطان عثمانی نسخه ای از هما یون نامه را به هدیه نزد لویی چهاردهم پادشاه فرانسه فرستاد . پادشاه بفرمود تا آن را به فرانسوی ترجمه کردند و از این راه تمام ملت های اروپائی از وجود این کتاب آگاه شدند . شاعر معروف فرانسوی ژان دولاونون نیز بسیاری از قصه های این کتاب را اقتباس کرد و به نظم فرانسوی آورد و بدین ترتیب وی نیز عاقلی بزرگ در راه شهرت و اعتبار روشناسان این کتاب به جهان شیان گردید .

قرن ها به طول انجامید تا اروپائیان نسخه عربی این مقفع را برای نخستین بار در پارسی به سال ۱۸۱۶ میلادی چاپ کردند . پس از آن به جستجوی اصل هندی کتاب برآمدند و آن را نیز یافتند و به زبان های اروپائی برگردانند و بدین ترتیب کتابی که بخش هندی آن سه هزار سال پیش نوشته شده و هدف آن آموختن آیین ملک داری و آداب معدلت به شاهزادگان هندی در زبان افسانه بوده تا امروز دوام و شهرت و اعتبار خود را در سراسر جهان نگاه داشته و هرگز مردم گیتی آن را از دست فرو نگذاشته اند و امروز نیز به عنوان قدیم ترین کتاب علوم سیاسی که در دنیا نوشته شده شناخته می شود ، خوش بختانه ، عامل اصلی در معرفی این کتاب ، چه از راه متن عربی ، و چه از راه تحریر فارسی انوار سهیلی ، ایرانیان بوده اند .

کلیله و دمنه و انوار سهیلی با رها و بارها در ایران و هند به نظم آمد و تحریر های گوناگون به نشر از آن صورت گرفت تا بدان جا که نویسنده این سطور تاکنون به ۲۲ تحریر و نظم گوناگون از آن آشنایی یافته است و هنوز هم جای یک تحریر دقیق از کلیله و دمنه به زبان فارسی ساده امروزی و همه کس فهم در ایران خالی است !

امروز از هر ایرانی با سواد ، و حتی کم سواد بیبرسیه نخستین کتاب نثر پارسی از نظر شهرت و محبوبیت کدام است ؟ بی درنگ خواهد گفت گلستان سعدی - این قولی است که جملگی بر آنند . اما شیخ اجل سعدی گلستان را در نیمه قرن هفتم هجری ، نوشته است . قبل از آن که ستاره ای چون گلستان سعدی در آسمان ادب فارسی طلوع کند ، نخستین کتاب نثر فارسی از نظر شهرت و زیبایی لفظ و معنی بی شک کلیله و دمنه بوده است . کلیله و دمنه از روزی که از عربی به فارسی به وسیله نصرالله بن عبدالحمید منشی در لاهور پاکستان به فارسی ترجمه شد (میان سال های ۵۲۹ تا ۵۳۱) تا روزی که گلستان نوشته نشده بود ، از هر لحاظ به عنوان کتاب درجه اول نثر فارسی شناخته می شد و پس از پدید آمدن گلستان در مرتبه بعد از آن قسراً گرفت و تا امروز نیز این مقام را حفظ کرده است . این کتاب نه تنها از نظر مطالب و معانی مندرج در آن بسیار جالب توجه است ، بلکه سرگذشتی بسیار رشیدانه و جذاب ، و داستانی دل پذیر دارد .

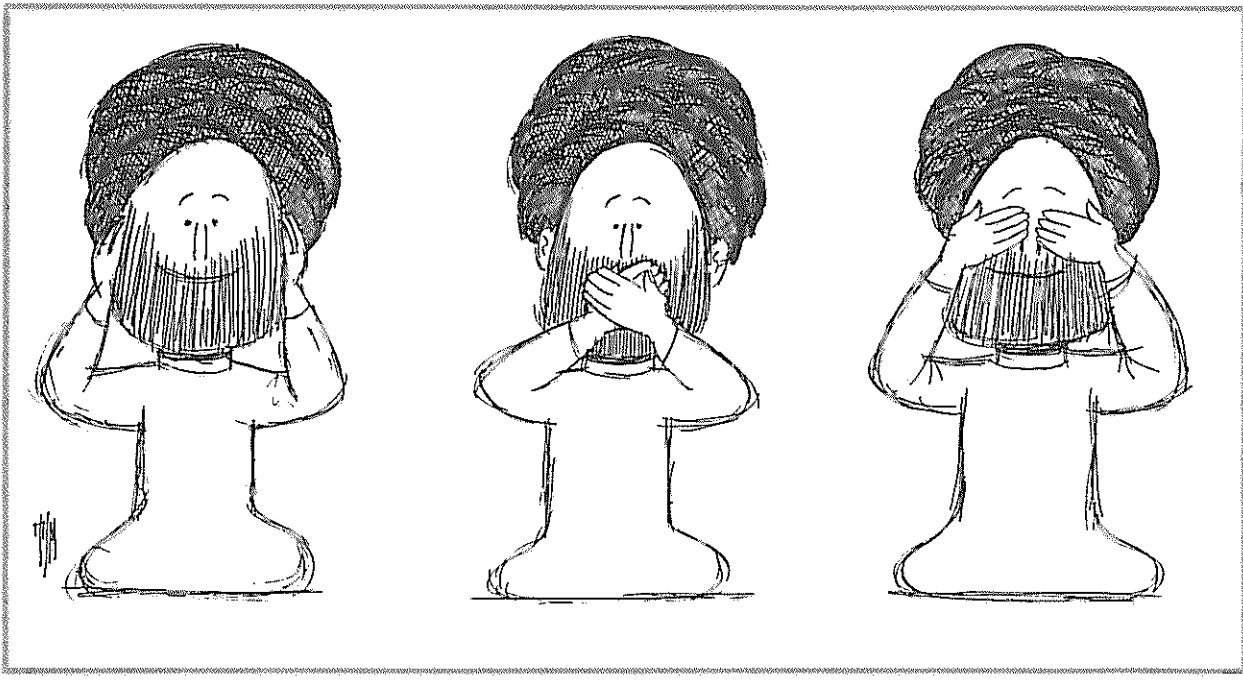
ممکن است بسیاری از جوانان عزیز ما نظر خوشی به این کتاب نداشته باشند ، اما در این رابطه کوچک ترین تقصیری متوجه ایشان نیست . گوناگونی از مصلحان ادب فارسی و تنظیم کنندگان برنامه های درس زبان و ادب است . مصلحان ، دبیران ادب فارسی در دبیرستان ها دشوارترین عبارت های این کتاب را برمیگزینند و از روی آن به دانش آموزان دیکته می کنند . متن های برگزیده از کلیله نیز همواره از قسمت های برگزیده شد که برای آیت قرآنی ، احادیث ، ضرب المثل ها و شعرهای عربی و شعرهای دشوار فارسی بود ، و دانش آموزان بیشتر وقت در پیچ و خم عبارت های متنوع و مشکل ، و فهم و از ه و ترکیب های دور از ذهن سرگردان می شوند و تنها بهره ای که لازم بود از این کتاب نمی برد ، بلکه از این طرز آموزش چندان زده می شد که از شنیدن نام کلیله و دمنه نیز وحشت می کرد ، در این گفتار خواهیم کوشید آنها را با این اثر ارزشمند آشتی دهیم و نخست چند کلمه از تا ریخته آن بگوئیم .

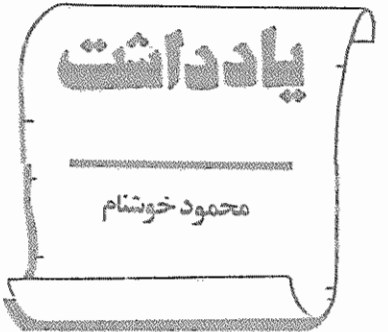
کتابی به نام کلیله و دمنه نخست بار در دوران پادشاهی انوشیروان ساسانی به زبان پهلوی در ایران پدید آمد . با این حال اصل آن یک سره ایرانی نیست . کلیله فعلی بر حسب نسخه های گوناگون کم و بیش دارای بیست باب است ، که ده باب آن اصل هندی دارد و ده باب دیگر را ایرانیان به آن افزوده اند . نام کلیله و دمنه را - که اسم دوشغال از بازیگران یکی از باب های این کتاب است - ایرانیان بر آن نهاده اند . در کلیله نوشته شده است که انوشیروان شنید که در خزائن پادشاهان هند کتابی است که گان خرد و گنجینه حکمت است و چون می دانست هندوان درواگذاشتن میراث ها و آثار فرهنگی خود به دیگر مردم چندان گشاده دست نیستند ، برزویه طبیب - مقدم پزشکان پارس - را به هندوستان فرستاد که این کتاب را به ایران بیاورد . برزویه به هند رفت و مدتی در آن جا بماند و سرانجام با هندی که گنجور کتابخانه پادشاهی بود طرح دوستی ریخت و زربسیار خرچ کرد و سرانجام دوست هندی خود را راضی کرد تا کتاب را به او بدهد و دهد . سپس نسخه ای از آن برداشت (یا همان جا به پهلوی ترجمه کرد) و پس از تحمیل رنج های فراوان آن را به ایران آورد .

حقیقت این است که پنج باب کلیله از یک کتاب سنسکریته به نام " پنج باب " یا " پنج کتاب " گرفته شده ، سه باب دیگر آن را از اثر معروف حماسی هند ، مهابهارت اقتباس کرده اند و منشاء هندی دو باب دیگر معلوم نیست . پس از آمدن کتاب به ایران ، ایرانیان چند باب به آغاز ، یکی دو باب به پایان و چند باب دیگر در میان کتاب افزودند . پس از زوال ملک ساسانیان و هجوم اعراب ، یکی از مترجمان جوان و بسیار رگزان قدر ایرانی ، روزبه پسر دادبه یارسی که نام مسلمانی او عبداللله بن مقفع بود کلیله را از پهلوی به عربی ترجمه کرد . ترجمه این مقفع تا امروز پس از قرآن کریم اولی و محبوب ترین کتاب نثر عربی است .

کلیله و دمنه تاکنون به ۹۲ زبان ترجمه شده و منشاء بسیاری از این ترجمه ها همان متن عربی ابن مقفع است . در دوران سامانی توجه به فرهنگ و ادب فارسی فزونی گرفت ، و یکی از نخستین کتاب های که امیران سامانی به ترجمه و نظم آن همسرت گماشتند کلیله و دمنه بود . ابوالفضل بلعمی وزیر معروف سامانیان این کتاب را از عربی به فارسی ترجمه کرد و رودکی نخستین استاد بزرگ ، و در حقیقت بنیان گذار رویدر شعر فارسی آن را به نظم آورد . متأسفانه کلیله منظوم رودکی با آن که شهرت فراوان یافت در نتیجه جنگ ها و قتل و غارت های پیاپی از میان رفت و امروز جز حدود یک صدمیت پراکنده که به عنوان شاهد لغت های گوناگون در فرهنگ ها باقی مانده ، چیزی از آن در دست نیست . پس از نظم رودکی چند باب ردیگر ، مترجمان گوناگون این کتاب

بقیه در صفحه ۷





تفسیری بر "میزان" امام!

بهشت می رسند. بخندید در کنسار دریای خون و سفر این "راهیان بهشت" را جشن بگیرید! تازه خود شما هم، هر کس که هستید، کارگر، کشاورز، دانشجو، دانشگاہی، کارمند و حتی شما "خواهران" هم حال دیگری وقتش رسیده است که، بار "سفر" را ببندید. همه شما هم باید بهشت بروید. جمعی از مسلمانان برای هیج کس قابل نمی شود. مگر خون آن ها که بهشت رفتن آنرا زخون شما رنگین تر کرده است! شما هم باید به این موهبت واصل شوید. من دیگر احتیاط ندارم، دیگر "تقیه" نمی کنم. صد اَم و ریگان و مبارک و تاه حسین اردنسی همایش بهانه است. غرض اصلی آن است که همه "شما به لقاء الله" بیرونید. همه شما به بهشت عنبر سرشت بروید. آنوقت شما بیست و نهمین نفری برای آنجا می گردید. برای خانه و کاشانه آن، که چه بشود؟! عزیزان آن همه در انتظار شما هستند. غرقه های بهشت، باغ ها و چشمه ها و میوه ها و وزن ها و مرد های بهشت همه در انتظار شما هستند. دیگر چه می خواهید؟! اگر می بینید که من و طلبه های دیگر و اهل بیت مان هم برای بهشت رانداریم، برای آنست که جای شما را تنگ نکنیم، کدام رهبر یا امام را سراغ دارید که خود را به خاطر امتش، از نعمات و مواهب بهشتی محروم کند.

الغرض بشتابید، که غفلت موجب پشیمانی می شود، اگر هم شما بخاطر آنکه هنوز "صغیر" و "محمور" هستید، قدر این سرفرازی را ندانید، وظیفه شرعی "ولی" شماست که به دست "داروغه" های خود پس گردن نماند را بگیرد و کتان کشان به دم دروازه بهشت برساند. وظیفه الهی من شوخی بردار نیست!

شما اگر تا بحال فکرمی کردید که از جنگ جز در دو تنی و بی بدبختی حاصل نمی شود، و مردم، در هر زمان و در هر کجای این جهان بهتان و از دست دادن عزیزان و ویران شدن خانه و کاشانه و شوهبر و کشورشان را به سوگ و عزای نشینند، بدانید که در اشتبا بوده اید. خلیفه ولی فقیه، امام امت و رهبری نظیر مستغفان جهان را، فتوای دیگری است! خلیفه "بلاد اسلام" را را می بیند آن است که "جنگ موهبتی الهی است"، "جنگ نعمت و برکت است". با جنگ، بندگان خدا به حرکت در می آیند و بیستون جنگ "فشل" می مانند! در جنگ اگر نصرت پیدا کنیم که فیها المصراد، چوب بیقری اسلام را در "بلاد کفر" فرو کرده ایم. اگر هم شکست بخوریم، "خوفی" نداریم و به اهداف عالی "شرعی و الهی خود می رسیم". "میزان" جنگ است. "زهر طرفه که شادکوشه"، ما خسران نمی کنیم، بلکه خیلی هم به نفع ما است و بر مستند خلافت می مانیم و به وظایف خود همچنان عمل می کنیم. خلیفه بزرگوار، عزادار و عزادار و گریستن برای عزیزان از دست رفته را نیز "مکروه" و حتی "حرام" می داند: - گریه و عزاداری و تسلیت برای چه؟ همه این جوانان برومند با کلیدی که به گردن دارند و شهادت نامه ای که به سینه شان سنجاق شده است، یکر است به بهشت می روند. رفتن به بهشت که دیگر گزینۀ ندارد، عزاداری و تسلیت نمی خواهد. با پند و اندرز زینت با ریختن آبی که به وساطت ما به آن ها ابلاغ شده است شاکر بود. باید کنار این دریای خون جشن گرفت، باید به یکدیگر تبریک و تهنیت گفت، این یک "عروج خونین" عاشقانه است. این محشور شدن با همه اولیا و انبیا است، این پیوستن به لقاء الله است. گریه و عزاداری چه معنای دارد؟ این راهیان کربلا، اگر هم به کربلا نرسند، سریع تر از هر طیاره ای که فکرش را بکنید به

من اینجا نشسته ام که شما را هدایت و ارشاد کنم، نه آنکه از گریه و شوهبر و وفال و مقاتلان، خوف پیدا کنم و از اجرای فرامین خود صرف نظر کنم. از همان اول هم، اگر بدانم باشد، بنشینم و بنشینم "همه با هم" و حال هم می گویم "همه با هم" دیگر مردوزن و کبود و شیرخواران را در. من این "عزوات" را آنقدر دادم می دهم و آنقدر توسته می دهم تا همه تان فرصت پیدا کنید شهید شوید و هیچ تنابنده ای دیگر از این نعمت و موهبت الهی که من واسطه بشارت آن هستم بی بهره نماند. درس و مشق و کتاب و کار و عشق و زندگی، همه اش حرف مفت است. این همه وسیله است. این ها مال دنیای خاکی است. هدف اصلی از خلقت آدم، پیوستن به لقاء الهی است. پس باید همه با هم، بدون استثناء، برویم بهشت. این هدف اصلی. دیگر چون و چرا هم ندارد. گریه و تسلیت و شیون و عزاداری "حرام" است. نه یک کلمه کم تر، نه یک کلمه بیشتر... همه با هم!...



نفت

طبق گزارش خبرگزاری فرانسه، سقوط سریع قیمت نفت، شما رفزای آینده ای از کارشناسان اقتصادی و مسئولان دولتی آمریکا را نگران ساخته است. متخصصان نفتی آمریکا معتقدند که تثبیت بهای نفت با یک حد قابل در حصول و حوش بشکته ای ۱۵ دلار باشد، وگرنه مشکلات بسیار جدی رخ خواهد داد. دکۀ پیا مدان برای بانک ها و شرکت های نفتی در ایالت های نفت خیزی نظیر تکزاس و آلاسکا وخیم خواهد بود.

به نوشته خبرگزاری فرانسه، علائم یک فاجعه از هم اکنون بروز کرده است. یک شرکت بزرگ نفتی آمریکا، به نام فیلیپس پترولیوم دیروز اعلام کرد که تا چار است از تاریخ اول ژوئیه آینده بین ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ تن از کارکنان خود را اخراج کند، زیرا سقوط بهای نفت باعث شده است که این شرکت نتواند از عهده تأمین حقوق کارکنان خود که در حال حاضر شمار آن ها ۲۶/۷۰۰ تن است، بر آید. به گفته مقامات فیلیپس پترولیوم، اخراج این ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ نفر، منجر به صرفه جوئی حدود دو بیست میلیون دلار در سال خواهد شد.

خبرگزاری فرانسه خاطر نشان می سازد که چنانچه روند سقوط قیمت نفت کمترین آدامه باید، ده ها هزار تن از کارگران، تکنیسین ها و مهندسان صنایع نفتی در ایالات نفت خیز آمریکا از کار ریکا رخواهند گشت.

در حالیکه بازار نفت بیش از هر زمان اشباع گردیده، و خطر آدامه سقوط قیمت نفت ممالک و شرکت های بزرگ نفتی را تهدید می کند، خبرگزاری فرانسه به نقل از محافل آگاه اعلام کرده است که اتحاد جماهیر شوروی قصد دارد صادرات نفت خود را به بازارهای اروپا و آمریکا از سر بگیرد. این خبر اگرچه از سوی پاره ای محافل تکذیب گردیده، اما از سوی منابع معتبری نظیر "واسه سولومون برادرز" تأیید شده است. به گفته یک منبع آگاه قراردادی از هم اکنون میان اتحاد جماهیر شوروی و ایتالیا به امضاء رسیده که از جزئیات آن اطلاع دقیقی در دست نیست. لازم به یاد آوریست که اتحاد جماهیر شوروی، بزرگترین تولیدکننده نفت در جهان بشمار می رود.

دانستم که شب های ما هتایی پیش دیوارهای توانگران با یستادمی (= می ایستادم) و هفت بار بگفتی شولم شولم، و دست در روشنائی مهتاب زدمی، و به یک حرکت به با می رسیدمی، و بر سر روزن با یستادمی و هفت بار بگفتی شولم شولم، و از روزن فرود آمدمی بی رنجی، و در میان خانه با یستادمی و هفت بار دیگر بگفتی، و همه نقود (= پول های نقد) خانه پیش چشم من ظاهر آمدی، به قدر طاقت برداشتمی و هفت بار دیگر بگفتی، و بر مهتاب از روزن برآمدمی (= با لامی آمدم). به برکت این افسون، نه کسی مرا بتوانستی دید و نه از من بدگمانی صورت بستی، به تدریج این همه مال که می بینی به دست آمد. اما زنهار تا این لفظ را به کسی نیا موزی که از آن خلل ها زاید!

دزدان به شنون آن ماجرا و به آموختن افسون شاد شدند و ساعتی توقف نمودند. چون ظن افتاد که اهل خانه را خواب ربود، مقدم دزدان هفت بار بگفتند شولم شولم، و پهای در روزن همان همان بود و برگردن افتادن همان خداوند خانه برجست و چوب برگرفت و نانهایش بگرفت و می گفت: عمر عزیز به زیستان آوردم، و مال به دست کردم تا توکا فردل پشت واره ببندی و بیبری؟ آخر نگویی که تو کیستی؟ دزد گفت: من آن غافل نادانم که دم گرم تو مرا بر باد دادم...

اگر هنوز هم این متن را دشوار می پابیدید و دلیل است! یکی آن که طرز جمله بندی آن اندکی با جمله سازی امروزی تفاوت دارد. دوم این که به یاد داشته باشید که این مطلب ۹۰۰ سال پیش نوشته شده و در این روزگار دراز زبان فارسی دگرگونی های بسیار یافته است و امروز به زحمت می آرد که برای بهره برداری از گنجینه ای چنین گران بها اندکی به خود زحمت دهیم و با زبان آن روزی فارسی آشنا شویم.

در اصطلاح ادب، نشر کلیله و دمنه را نشر فنی نامند و آن نشری است که دشوار تر از نشر ساده و بسیار آسان تر از نشر مصنوع است. کلیله ها هکار نشر فنی است و همه کسانی که بدین راه رفته اند این کتاب را سرمشق خود داشته و هیچ یک در استحکام و زیبایی بنود به پای آن نرسیده اند.

اهمیت کلیله و دمنه تا بدان پایه بوده است که فردوسی در شاهنامه در باب پادشاهی انوشیروان فصلی ميسوط در باب داستان کلیله و آوردن آن از هند و ترجمه شدن آن به پهلوی و عربی و فارسی و نظم آن به وسیله رودکی می آورد. هم فردوسی گوید که وقتی به خسرو پوزیز گفتند بهرام چوبین کلیله و دمنه می خواند، وی تکتست خود را قطعی شمرد.

نیز ما "مون خلیفه عباسی به دست و به سلیقه خود خلاصه ای از کلیله و دمنه فراهم آورده و آن را کتاب بالینی خویش ساخته بود و لحظه ای آن را از خویش جدا نمی کرد، از این تلخیص ماء مون هنوز یکی دونه خه خطی برجای مانده است.

و اسپین سخن در باره کلیله و دمنه آن که نشای این کتاب، از نظر سادگی بردو گونه است: ۱ - هر جا که نویسنده مجال صنعت گیری و آرایش کلام می یافته سخن را می آراسته و از آوردن سجع های گوناگون و صنایع لفظی دریغ نمی کرده، اما در این کار نیز جانب اعتدال را به رعایت می رسانیده و زیاده روی نمی کرده است.

۲ - به مجرد آن که قلم نویسنده به سوی شرح حصاده و بیان حکایت پیش می رفته، نثر او نیز به سادگی می گراییده است. برای نمونه حکایت کوتاهی از این گونه انشاء کلیله را نقل می کنیم: "گویند شبی دزدی به خانه توانگری با یاران خود به دزدی رفت. خداوند خانه به حرکت ایشان بیدار گشت، دانست که بر بام دزدانند. زن را آهسته بیدار کرد و معلوم گردانید که حال چیست، و فرمود که من خود را خفته سازم (= خود را به خواب می زوم)، تو، چنان که آواز تو را بشنوند، با من در سخن آ، و پس از من بپرس، به الحاحی (= اصراری) تمام، که ای چندین مال از کجا به دست آوردی؟ و هر چند دفع بیشتر کنم تو میا لغت بیشتر کن.

کلیله و دمنه اثری هندی و ایرانی

کتاب کشور داری، سیاست و حکمت

بقیه از صفحه ۶

خود می گوید او را سخت بیا زارد و پرهایش را بکنند و زخمی کنند و در راه ببندند. آن گاه وی بدین حالت نزد شاه دشمن می رود و خود را مشیر و ناصح او جلوه می دهد و چنین فرامی نماید که قصد انتقام جویی از ولی نعمت و کار فرمای پیشین خود را در دیدن حیلای حریفان را به دام هلاک ره نمون می شود. در داستان فتح سومات به دست محمود غزنوی نیز می خوانیم که هندی به عنوان راه نمایی، وولشکرش را بسپارند، در بیابانی بی آب و علف کشید، از این عنصر، در بسیاری از داستان های عوامانه نیز بهره گرفته شده است.

داستان های دیگری از کلیله نیز در افواه عوام افتاده و صورت مثل سایر به خود گرفته است: داستان مار پیری که خود را مرکب سواری امیر غوکان کرد، داستان بوزینه و نجا رکه منشاء مثل معروف "مار که پیرشد قورباغه سوارش می شود" بوزینه را بسا درودگری چه کار؟ است. نیز قصه گریه زاهد و کبتنجیر (پرنده ای است) که بعضی گویند بیست معروف حافظ در باره نماز کردن گریه عابد از آن سرچشمه می گیرد، داستان سنگ پشت فضول و مرغان بیانی که او را در هوا می بردند و بسیاری داستانهای دیگر هنوز بزبان مردم جاری است. بعضی قصه های دیگر کلیله - مانند قصه سماهی، یکی عاقل و یکی نیمه عاقل و یکی نادان - منبع الهام مولانا در مشنوی واقع شده است.

فواد روحانی



مصدق ونهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست

قانون اجرایی ملی شدن صنعت نفت

نواب صفوی مخالفت خود را با دکتر مصدق و کاشانی مخفی نمی کرد بلکه برگشت خود را از آن ها با ذکر بیادون ذکر دلالت اعلام می نمود. روزنامه "جنگار" در شماره ۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ نوشت مناقشات و کشمکش میان نواب صفوی از یک طرف و کاشانی و جبهه ملی از طرف دیگر در روزهای اخیر موجب دودستگی در داخل فدا ثانی اسلام شده و نواب صفوی با ادای الفاظ رکیک نسبت به جبهه ملی و کاشانی گفته است آیت الله کاشانی و مصدق و جبهه ملی روی لندن را سفید کردند. در تاریخ ۲۳ اردیبهشت نواب صفوی طی یک مباحثه با خبرنگار مجله "ترقی" پیشا مدوعلل اختلاف را به تفصیل شرح داد و از جمله چنین گفت:

" ما با رویه کاشانی و دکتر مصدق و اعضای جبهه ملی مخالفیم زیرا این ها به کمک فدا ثانی اسلام به مجلس رفتند... من (به عبدالقادر آزاد) گفتم با ییدوکلای جبهه ملی سعی کنند که احکام اسلامی اجرا شود... در ملاقات با کاشانی تصریح کردم که... وظیفه آنهاست که سعی کنند احکام اسلام اجرا شود ولی کاشانی بهانه های آورد و حرف های من در او اثر نکرد... ما به کاشانی گفتیم تو رویه دینی و رفت و آمد تو رفت و آمد مدینه نیست با یید تغییر رویه بدهی و باید فرزندان احکام اسلامی را اجرا کنند ولی این حرفها در او اثر نکرد... من معتمد که اکنون تمام برادران عزیز من به دستورد دکتر مصدق و کاشانی و جبهه ملی محبوسند... بعد از اینکه رزم آرا به قتل رسید همین کاشانی آهسته به من گفت با یید هفت نفر دیگر (که اسمایشان را آورد) کشته شوند ولی اسم من و تودرمیان نباشد... من کاشانی و دکتر مصدق و جبهه ملی را به محاکمه دعوت می کنم که اخلاقا " محاکمه شوند "

در همان تاریخ ۲۳ اردیبهشت اعلامیه ای از طرف مجمع مسلمانان مجاهد (به رهبری کاشانی و عضویت شمس قنات آبادی) خطاب به دکتر مصدق منتشر شد به این مضمون:

" افراد رشید و فداکار مجمع مسلمانان مجاهد که در مبارزه ملت مسلمان ایران علیه انگلستان برای ملی کردن صنعت نفت مبارزه نموده تصمیم گرفته اند که برای محافظت جنا بعالی شب و روز در اختیار شما باشند... "

گروهی که در او خرابی بهشت از جمعیت طرفداران نواب صفوی انشعاب کردند طی بیانیه ای که انتشار دادند چنین گفتند:

" ما هر آن برای عملی شدن دستورات مقدس آسمانی و اجرای قوانین مقدس قرآنی در سنگرهای پولادین ایمان نشسته و به انتظار فرصتیم " (۱)

روز ۲۳ تیر ۱۳۳۰ هنگام ورود هریمین به تهران تظاهرات به وسیله جمعیت هواداران صلح انجام گرفت که منجر به درگیری با مأموران نظامی و کشته و زخمی شدن عده ای گردید چون در جریان کشته شده بود که عده ای از فدا ثانی و مجاهدین اسلام قصد داشتند در پشتیبانی از حکومت دکتر مصدق به میتینگ دهندگان حمله کنند ولی بنا به توصیه کاشانی (برای جلوگیری از اختلال نظم عمومی) از این اقدام منصرف شده بودند. فدا ثانی اسلام طی اعلامیه ای به امضای نواب صفوی این شایعه را تکذیب کردند و گفتند ما با حکومت هائی که مجری احکام اسلام نباشند همکاری نمی کنیم.

روز ۲۵ مرداد ۱۳۳۰ برخوردی بین فدا ثانی اسلام و قوای انتظامی در تهران رخ داد به این صورت که در حدود ۲۰۰ نفر از آنها بقصد تشکیل میتینگ در مسجد شاه به راه افتادند ولی مأموران شهر بانی بعلت ممنوعیت انعقاد میتینگ جز در میدان شهنواز (فوزه) آنها را متفرق کردند و در نتیجه این تمام چندین نفر زخمی و عده ای از روحانیون با زدا شد.

آخرین حمله فدا ثانی اسلام به شخص کاشانی و جبهه ملی طی اعلامیه ای صورت گرفت که فدا ثانی در تاریخ ۲۲ دی ۱۳۳۰ منتشر کردند و طی آن کاشانی را همکار افراد جاسوس و خائن و مزدور آلمان و انگلیس خواندند و گفتند او از دربار مقرر ماهیانه می گیرد و از مدبر سازمان اوقاف (دکتر شروین) هم که به توصیه خود او منصوب شده است مبلغ هنگفتی دریافت می کند و سهمی از آن را به سران جبهه ملی یعنی دکتر بقائی و دکتر شایگان و دکتر قاسمی و شمس قنات آبادی می پردازد.

چند روز بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نواب صفوی به امید حفظ جان خود طی اعلامیه ای خطاب به شاه و نخست وزیر چنین گفت:

" هر کس عملاً با احکام خدا مخالفت کند اطاعت او حرام و مخالفتش واجب است. من به همین دلیل با دولت مصدق به شدت مخالف بودم و او در تمام حکومتش از ترس من و برادرانم درگوشه خانه اش متحصن بود... اما نواب صفوی نتوانست خود را از محکومیت به مرگ نجات دهد و دچار سرنوشتی گردید که سید حسین امامی (قاتل کسروی و وزیر) و خلیل طهماسبی نیز به آن گرفتار شدند. نقل مطالبی که گذشت و مضمون مدارک دیگری که از آن صرف نظرمی کنیم، گواه کافی است بر اینکه جمعیت فدا ثانی اسلام نه تنها هیچگونه سهمی در پیشبرد هدف های نهضت ملی نداشت (۲) بلکه تا حدی که می توانست با نهضت مزبور و رهبران خصوصت ورزید.

فدا ثانی اسلام و مصدق

حال به بحث کوتاهی درباره جمعیت مذهبی دیگر یعنی مجاهدین اسلام به رهبری کاشانی می پردازیم. بطوری که قبلاً گفته شد به فاصله کمی بعد از ملی شدن نفت فدا ثانی اسلام به مخالفت علنی با کاشانی و دکتر مصدق برخاستند. در آن زمان کاشانی تفاهم

کامل با جبهه ملی داشت و جمعیت وابسته به او از دکتر مصدق در برابر فدا ثانی اسلام پشتیبانی کرد. اما همفکری و همقدمی کاشانی با جبهه ملی دیسری نیافتید. در اواسط سال ۱۳۳۱ بستگی او با دکتر مصدق رویه سستی گذاشت تا آخر سال که یکبار به مبدل به خصومت گردید. یعنی او همراه با دکتر بقائی و مکی از مصدق جدا شد و روشی پیش گرفت که تساقط دکتر مصدق ادامه داشت. چگونگی رابطه کاشانی با دکتر مصدق و نهضت ملی در کتاب " ناسیونالیسم در ایران " مورد بحث قرار گرفته و نظریاتی در این مورد اظهار شده است که ترجمه آنرا در زیر می آوریم:

" مراد و هدف کاشانی بسیار از ناسیونالیسم به مفهوم غربی آن دور بود... در واقع تنها اساس واقعیتی هم پیمانی مصدق کاشانی این بود که آنها دشمنان مشترک داشتند. هر دو آنها حکومت رزم آرا و بیشتر حکومت های سابق بر آن و متعاقب جنگ را آلت همبستگی صرف نظر از این وجه مشترک نظریات و تمایلات آنها بکلی متفاو بود. کاشانی بین دین و سیاست هیچ امتیازی قائل نبود... عقیده داشت که رهبران دینی باید بر مردم راندرا مورا جمعیتی ایجاد کنند و تا آن گدی می کرد که قانون گذاری فقط در حدود مجازات است که با شرع تطبیق کند... در موضوع اتحاد اسلام هم نظر خاصی داشت یعنی می گفت که من مشغول تهیه زمینهای هستم برای آنکه نه فقط کشورهای خاور میانه بلکه همه آسیا متحد شوند تا بلوک جدید و مقتدری به وجود بیاید که در میان دو بلوک شوروی و انگلیس - آمریکا قرار گیرد کنه فکر همواره

پان اسلامیت های ایران همین است. هدفهای آنها اساساً سیاسی است و پان اسلامیت آنها فقط یک خط تبلیغاتی بی فایده است... در دوره پشتیبانی هوا خواهان کاشانی از تظاهرات جبهه ملی طی سالهای ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲ همه پیش بینی می کردند که بروز شکاف بین مصدق و کاشانی اجتناب ناپذیر است و بعد از سال ۱۹۵۲ بحث فقط در این بود که این واقعه کی رخ خواهد داد. کاشانی احتمالاً مطمئن بود که پیروزی با او خواهد بود و به همین جهت در سال ۱۹۵۲ در بریدن از مصدق شتاب کرد.

سپس نویسنده اشاره به حربه ای که کاشانی علیه مصدق به کار می برد می کند و می گوید آن حربه عبارت از جمع آوری رجا له بود:

" هیچ یک از روحانیونی که با مصدق باقی ماندند این توانائی کاشانی را نداشتند که در فاصله چند لحظه جمعیتی از مردم عامی و عاری از فهم را به خیابان بکشاند... هوا خواهان عمده مصدق از طبقه متوسط تحصیل کرده بودند که بعد از فارغ التحصیل شدن در رغبتی به جمع شدن در تظاهرات نداشتند. دسته کاشانی ضعیف شده و به طرفداران شاه پیوسته بود که شب و روز برای برانداختن مصدق می کوشیدند... در هر صورت شکی نیست که جمعیتی که روز ۲۸ مرداد ظاهر شد و مصدق را بر انداخت ترکیبی بود از افراد عامی جنوب تهران که بوسیله سازمان بهیبهائی با کمک کاشانی و ملامهای کوچکتر و سراسران دسته های چاقوکش جمع آوری شده بود.

نویسنده کتاب جای دیگر در شرح نا آرا می تهران در روز ۹ اسفند ۱۳۳۱ که خبر قصد شاه به عزیمت از ایران منتشر شد، می گوید:

" جمعیتی قریباً دکان به خانه مصدق ریختند... سردسته آنها شعبان جعفری مشهور به بی مخ و معروف ترین گرد آورنده چاقوکشان بود و کلاً واضح بود که این جمعیت بوسیله دسته کاشانی خریداری شده بود.

نویسنده هنگام تالیف کتاب (سال ۱۳۴۳) نظرسر خود را درباره مذهب و سیاسی اینگونه اظهار می کند:

" در هر حال ملایان به رد دیگر نفوذ خود را روی طبقات پائین و متوسط پائین نشان دادند و فعلاً لیبرالان این اعتقاد عمومی را تقویت کردند که ملامها بر روی هم یک نیروی ضد ناسیونالیسم هستند... عجالتاً ملامهای مترجم همه مقامات دینی را که دارای اهمیت سیاسی ست با پشتیبانی دولت در دست دارند. اینها دیگر مردم را به خیابان نمی کشانند مگر برای برگزاری مراسم و تشریفات دولتی و انتخابات.

اکنون دیگر خلیل طهماسبی و سایر فدا ثانی اسلام اعدام شده اند و کاشانی مدت ها پیش از پایان عمر در سال ۱۳۴۱ شخصیت و اهمیت خود را از دست داده بود. (۳) در خاتمه اضافه می کنیم که پان اسلامیت کاشانی نیز چیزی جز یک تظاهرات هروبازی فریبنده نبود نقطه اوج این صحنه سازی اقدام او در آبانماه ۱۳۳۱ به دعوت یک کنفرانس اسلامی در سطح بین المللی بود که چون هیچگونه استقبال از آن به عمل نیامد موقوف شد. شرح این اقدام در گزارش مورخ ۲۶ نوامبر ۱۹۵۲ (۵ آذر ۱۳۳۱) سفارت آمریکا در تهران به سه وزارت امور خارجه آمریکا بیان شده و خلاصه آن اینست که کاشانی روز ۲۱ آبان اعلام کرد که تصمیم به تشکیل یک کنفرانس اسلامی گرفته است. به این منظور که ملل مختلف اسلامی با یکدیگر آشنا شوند و پیوندهای اتحاد با یکدیگر را تقویت کنند و برای ترویج دین اسلام و توسعه روابط معنوی بین مسلمانان و جستجوی طریقهای عملی دفع استعمار امپریالیستی و تأمین صلح عمومی یک سازمان اسلامی شامل همه امت های مسلمان بوجود آورند. اما در تاریخ ۲۲ آذر سید مصطفی کاشانی از جانب پدرا ظاهر رکورد کرده دعوت نامه ها بنا به عللی هنوز فرستاده نشده است. در حقیقت معلوم شده که دولت های عرب چون نسبت به دعوت بعضی شخصیت ها مانند نجاش با شاورشید عالی گیلابی و مفتی اعظم فلسطین که از نظر آنها مشکوک تلقی می شدند نظر موافق نداشتند. از قبول دعوت عذر خواسته بودند. در تاریخ ۳ آذر دکتر قاسمی به عنوان سخنگوی دولت اظهار کرد که دولت به هیچ وجه در موضوع دعوت یا تشکیل یک چنین کنفرانس دخالت نداشته و ندارد. بالاخره موضوع تشکیل چنین کنفرانس منتفی گردید. (۴)

در این بخش متن تصمیماتی را که منجر به ملی شدن نفت گردید عیناً نقل می کنیم:

۱ - در تاریخ ۴ آذرماه ۱۳۲۹ کمیسیون مخصوص نفت تصمیم زیرا با توافق آراء اخذ نمود: " قرار داد الحاقی سازمان کس کافی برای استیقای حقوق ایران نیست لذا مخالفت خود را با آن اظهار می دارد.

۲ - در تاریخ ۸ آذرماه پیشنهاد دفا را کسیون وطن (جبهه ملی) به شرح زیر در کمیسیون مخصوص نفت قرائت شد ولی به تصویب نرسید: " به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی امضا کنندگان ذیل پیشنهاد می نمائیم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد. امضا شریزاده، صالح، دکتر مصدق، مکی، دکتر شایگان.

۳ - در تاریخ ۲۱ دیماه ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی تصمیم قانونی به شرح زیر اتخاذ نمود: " مجلس شورای ملی با تأیید و تصویب گزارش کمیسیون دایر بر اینکه لایحه ساعد کس کافی برای استیقای حقوق ایران نیست بمنظور اجرای قانون مهرماه ۱۳۲۶ به آن کمیسیون مأموریت می دهد که با توجه به پیشنهادات آقایان نمایندگان در ظرف دو ماه گزارشی مبنی بر تعیین وظیفه و رویه دولت تهیه و برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم نماید. آقایان نمایندگان می توانند در ظرف دو هفته هرگونه پیشنهادی که دارند به کمیسیون تقدیم نمایند.

۴ - در تاریخ ۱۷ اسفند کمیسیون مخصوص نفت به اتفاق آراء تصمیم زیرا اتخاذ نمود: " نظر به اینکه ضمن پیشنهادات واصله به کمیسیون نفت (۵) پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورد توجه و قبول کمیسیون قرار گرفته و از آنجا شیکه وقت کافی برای مطالعه در اطراف اجرای این اصل باقی نیست کمیسیون مخصوص نفت از مجلس شورای ملی تقاضای دو ماه تمدیدی نماید.

۵ - در تاریخ ۲۴ اسفند مجلس شورای ملی و در تاریخ ۲۹ اسفند مجلس سنا ماده واحده زیر را تصویب کردند: " مجلس شورای ملی تصمیم مورخ ۱۷ اسفندماه ۱۳۲۹ کمیسیون مخصوص نفت را تأیید و با تمدید مدت موافقت می نماید. تبصره ۱ - کمیسیون نفت مجاز است از کارشناسان داخلی و خارجی بصورت لزوم دعوت نماید و مورد استفاده قرار دهد.

تبصره ۲ - آقایان نمایندگان حق دارند تا ۱۵ روز بعد از تشکیل کمیسیون پیشنهادات و نظریات خود را به کمیسیون داده و برای توضیحات در کمیسیون حق حضور داشته باشند.

۶ - در تاریخ ۷ اردیبهشت ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی و در تاریخ ۹ اردیبهشت مجلس سنا طرح قانونی دایر بر طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت را بشرح زیر تصویب نمودند:

ماده ۱ - به منظور ترتیب اجرای قانون مورخ ۲۴ و ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ راجع به ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور هیئت مختلطی مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی به انتخاب هر یک از مجلسین و وزیر دارائی با قائم مقام او تشکیل می شود.

ماده ۲ - دولت مکلف است با نظر از هیئت مختلط بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید کند و چنانچه شرکت برای تحویل فوری به عسکدر وجود ادعائی بردولت متعذر شود دولت می تواند تا میزان ۲۵ درصد از عایدات جاری نفت را پس از وضع مخارج بهره برداری برای تأمین مدعا به احتیالی شرکت در بانک ملی ایران یا بانک مرضی الطرفین دیگر ودیعه گذارد.

ماده ۳ - دولت مکلف است با نظر از هیئت مختلط به مطالبات و دعاوی حقه دولت و همچنین به دعاوی حقه شرکت رسیدگی نموده نظریات خود را به مجلسین گزارش دهد که پس از تصویب مجلسین به موقع اجرا گذاشته شود.

جنگ و صلح در روایت ملیون

بقیه از صفحه ۱

ا و بتوان گفت که برای یک حرجی نیست. چندسال متوالی، عزلت در یک قلعه‌ی نفوذناپذیر و وحشت از آفتابی شدن و حتی پرهیز از قصد زیارت و استخوان سبک کردن، اجازه نمی‌دهد تا با چشم خود به بیند که دریای همان قلعه و در قلمرو پابخت خلافت، چه بر مردم می‌گذرد؟ و زندگی در این ۷ سال تشعشع اسلامی چه تحول شگرفی پذیرفته است؟ این استثنا، حالا خواه درست و خواه نادرست، به صورت درجی امثال رفسنجانی و موسوی صدق نمی‌کند، مسلماً آنها میدانند که سخت می‌لافتند و واقعیت این است که کفگیر به ته دیگ خورده است.

پس باید قبول کرد که گزراشگر مجلسه‌ی آمریکا بی‌بیراه ترفقه و شتاب و بی‌پروائی ملایان را در انتقال شوت‌های غارتی، بدرستی رد گرفته است.

چطور می‌توان با ورکرد که موسوی خود نمی‌دانند که با رقم خالص چیزی نصیب کشتول خلافت نخواهد شد؟ چطور می‌توان پذیرفت که رفسنجانی از این قحطی و فلاکت ایرا نکیر، بیخبر است؟

متولیان رژیم خودبیبیش از هرکس، آگاهند که خانه‌های پای بست ویران است. می‌دانند که بیسه دوام این بساط امیدنی نباید بست و خسواه ناخواه این بنا بر آب نشسته محکوم به فناست.

اما بریک استثنا (نه چندان بیحساب) همچنان چسبیده‌اند و این که: هر لحظه ما ندن غنیمت است، بخصوص که پیمان غائله سخت ذلت بار است.

توجه کرده‌اند که غنیمت بزرگ و آخرین غنیمت، کش دادن معرکه است و این با دروغ محض مقدر نیست. دروغ درج یک لفاف بکاری آید ولی آوار رابه تنها مانع نمی‌شود. در پیی عامل کار سازی باید بود که گره کشا باشد و آن "جنگ" است که به اختناق میدان میدهد و اختناق کور که نفس از هرزیا ده‌خواهی می‌گیرد و در عین حال به کوری جنگ سوخت می‌رساند.

اگر توب و تانک و هواپیما به کفایت نیست، امواج انسانی کمبودها را جبران می‌کند. اگر هر یک از چندهزار کودک و پیر و جوان تک‌پاره و ذغال میشوند و با درعق مرداب هوا و روی ریگزارها می‌پوستند، آخوند حاکم را با کی نیست.

پس ما در این جنگ "پرنعمت و پرحمت" را با بدچسبید که همان باب الحواش است. هم ابزار سرکوب وهم وسیله‌ی غارت وهم مایه‌ی کش دادن معرکه است. حساب غلطی هم نیست، شیشه‌ی عمر رژیم شکسته خواهد شد اگر جنگ متوقف شود. سردوام رژیم در پشت شعار "جنگ تا پیروزی" پنهان است که بی‌برده‌اش "جنگ جنگ برای ماندن و مکیدن" است، آخوند حاکم حالا دیگر باور کرده است که خلافت سراسری اسلامی اش یک رویای کاذب بود و آنهم برید.

با چنین برداشتی، فهم این نظر دشوار نخواهد بود که:

در شرایط خاص امروز - " صلح طلبی" مقوله‌ای از زمینه‌های اصلی - هر تلاشی "استراتژی ملی است. هر تلاشی برای خاموش کردن این آتش مهیب، علاوه بر نتایج فوق العاده مهم انسانی و مادی آن، حرکتی است در مسیر براندازی "مسلم" یا فاعیات انسانی جنگ تا همین جانیز جبران ناپذیر است. پانصد هزار کشته و صدها هزار معلول (و عمدتاً از نسل جوان) - هرگز قابل ترمیم نیست. همه چیز قابل احیا است، مگر آدمیزاد. و باید قبول کرد که ملاها، بخصوصی با هراس از روزمبادا، ابائی ندارند که سراسر ایران را بیک دشت سوخته تبدیل کنند. هیچ می‌بالند نیست که اگر یقین کنند شرط بقایشان، وجود چنین برهوت مرده‌ای است، خود دست بکار خواهند شد، همه چیز را به آتش خواهند کشید. بنا بر این این معادله‌ی " صلح و جنگ" مخصوصاً در شرایطی که حریف تا پشت مرزهای خود عقب‌نشسته است بدینگونه شکل می‌گیرد: - براندازی رژیم، حتی اگر جنگی در میان نبود، همچنان فوری‌ترین و اساسی‌ترین رسالت نهضت ملی ایران محسوب می‌شود.

- جنگ، امروز، به آخرین تکیه‌گاه و عامل دوام رژیم تبدیل شده است. نتیجه: تاکید بر " صلح" نه تنها با خطر سد بستن به روی فاعلیات انسانی و مادی - بلکه با جا معیت یک هدف تاریخی - ملی نیز مطرح شده است.

فهم مطلب به یک نگاه - به یک جمع و تفریق ساده‌ی دیستانی نیست - ساز دارد - معادله‌ی چند مجهوله نیست.

قلیه ولایت فقیه

رفسنجانی خود میداند که با او می‌گوید، ولی با پدرم حکومت الله را رعایت کند. موسوی هم می‌فهمد که می‌لافتد، منتهی قرارش این است که نمایی را بگرداند - به تقلید " دولت مردان"، بودجه بنویسد. با ارقام و اعداد که ما بهای هم نمی‌خواهد. ستونی برای درآمد و ستونی برای هزینه جور کنند. پس کار تمام است، می‌نویسد و تحویل می‌دهد و بیش از این هم وظیفه‌ای ندارد. مکتبی و متعهد هم هست و در این هردو فن، به حد کفایت برخوردار است - اما هم بارها و بارها فرموده است که در قلمرو او هیچکس حق ندارد فاضل آب برهم زند.

مولانا عبید می‌گوید: یکی از دیگری پرسید که قلیه بیسه " قاف" کشند و پایه " غین" گفت: قلیه نه به قاف کشند و نه به غین، قلیه به گوشت کشند.



اگر آن بزرگوار سرازاک هفتصدساله بر میداشت، میدید که درسزمین او معرکه دارانی سز شده‌اند که قلیه به دروغ هم کشند. "بودجه" می‌نویسند، بی آنکه پولی در کار باشد. از "فورما" بحتا زندگی و خزانه‌ی لامل از ارز می‌بالند و سلمه‌ی اعداد را تحویل می‌دهند و هیچ اهل مزاج و طنز هم نیستند. خمینی نیز که ابتکار این قماش گزافه‌ها از اوست، گرچه نسبت به گذشته خیلی کوتاه آمده است ولی باز بقول عبید " برای آنکه آلمان دروغش فراموش نشود" بنا بر " وظیفه" گهگاه سرمشقی را بعنوان نمونه و راهنما، تحویل می‌دهد. همین چند هفته‌ی پیش بود که به " میهمانان خارجی دهی فجر" با تاکید تمام توصیه می‌کرد: " به روستاهای دور افتاده بروید و مشا هده کنید که زندگی دهقانان در این هفت سال و در ظل توجهات الهی و پیرویش مکتبی، چقدر با گذشته فرق کرده است."

باب الحواش ملایان حاکم

گرچه پیر مردینا بر روند " اسلامی" خود، دروغی پرانده و اطمینان هم داشته است که سورچرانهای دهی فجر، نه برای کوه نوردی و با زدیاد زروستا های اسلامی که بخاطر مله‌ای رنج سفر بر خود هموار کرده‌اند - معهدا شاید در مورد خاص عقل با خنکی نیز هستند.

حالا دروغ وزیر هم بجای خود که به صورت بنا بر وظیفه، ابزار کار اهل " پلتیک" است و بنا بر عده با یسد توقف اضطراری صدور نفت را که ناشی از بمبارانها و زکارماندن تلمبه‌خانه‌ها است بنحوی در لفا ف‌های مثلاً " سیاسی" بیوشاند تا به " حیثیت حکومت الله" لطمه‌ای وارد نشود. غافل که ایمن لاپوشانی " سیاسی" دست صرا عظم مکتبی را با همه‌ی بی قیدی و پرهیز از چون و چرا ها در حنا می‌گذارد که ناچار باید به این پرش جوا ب دهد: بر رفتی که بنا بر " مصلحت" ما در نخواهد شد، چه در آمدی متصور خواهد بود؟ عجب آنجا است که " شورای اسلامی" آخوندی (که پیدا است چهار عمل اصلی را ناچار در این هفت سال آموخته است) به این نکته توجه میکند (و یارندان توجیه میدهند) که: " تا مین ۱۴۹ میلیار تومان در آمد، مستلزم تولید سه میلیون و بیست و پنج هزار بشکه در روز و فروش قطعی آن به قیمت هر بشکه پانزده دلار خواهد بود" و نتیجه می‌گیرد که رسیدن به چنین رقمی محال است. ملاحظه کنید، صرا عظم متعهد و مکتبی با یک دروغ چند چشمه بازی کرده است.

تردید نیست که ملاهای حاکم - تا چند سالی پس از دستیابی به قدرت مطلقه و مخصوصاً " تحت تاء شیر غنیمتی چنین سنگین و در عین حال سهل الوصول، به روه پای تصرف قدس و تاء سیسی یک دارالخلافتی سراسر " اسلامی" به عنوان یک امر محتوم، سخت بساور داشتند، ولی جبر حوا دث رفته رفته به آنها حالی کرد که به روه پای کاذبی دل بسته‌اند، و این نیست که هر لحظه اراده کنند " بخت پیروزی" بیدرنسک دق الباب خواهد کرد. البته رجزها را همچنان ادامه داده‌اند ولی نه با چنان پشتوانه‌ای که " واقعیت های تلخ" را بیوشاند.

یک وقت " برگردان" و ریزبان همه‌ی آنها معجزه‌ی " اسلام و امام" بود که با دست " خالی" بر " قدرتی" غالب شد که گویا میرفت طرف پنجال اروپای غربی را یک جا پشت سر بگذارد و از تمدن بزرگ پرده‌گشائی کند. و حالا ترجیع بندها از آغاز تا انتها دروغ‌های است که گرمشیت خدا و ندبه خلق موجوداتی نظیر خمینی و خا منه‌ای و رفسنجانی و موسوی تعلق نمی‌گرفت، هیچگاه از ذهن هیچ تنابنده‌ای نمی‌گذشت. بر راستی چه " کسی" جز از قماش رفسنجانی قادر است چشم در چشم مردمی که فلاکت را با پوست و استخوان خود لمس می‌کنند و برای دستری به یک لقمه نان بیشترین ساعات روز را در صف‌های بی پایان انتظار، هدر می‌دهند، چنین بی پروا ادعا کند که:

" نیروهای مبتکر ما در این هفت سال کشور را از وابستگی به درجات پائین وابستگی و از وابستگی مطلق به حداقل وابستگی رساندند... آنطور که موفق شدیم نیروی هواییمان و صنایع پیچیده‌مان را بدون اتکاء خارجی حفظ کنیم، (در این صورت پس) چیرا نتوانیم بقیه صنایعمان را بکار بگیریم؟"

و باز کمی جلوتر: " غذای ما در داخل است - تمام مسائل زندگی‌مان در داخل است و ارز مورد نیازمان را از غیر نفقت می‌توانیم بدست آوریم و احتیاجی به اینکه نفت مسان را بفروشیم، نداریم... نا توانی و محدودیت " کلمه‌ها " در انتقال با رستگین مفا هیم. همین جا مصادق پیدا می‌کند.

یک طفل دیستانی برای فرار از تشر آموگار " دروغ" می‌گوید و حجت الاسلام رفسنجانی پیشنهاد با بیتخت و ریشیس مجلس اسلامی هم " دروغ" می‌گوید. داور و شما چیست؟ باز هم دروغ، دروغ است؟

اما شنیدنی است که حجت الاسلام تازه در این میدان بی حریف نیست. رقیبی در کنار دارد مانند موسوی صرا عظم حوزه ولایت که در لافزنی، دست‌اورا از پشت بسته است. اگر حجت الاسلام در خطبه‌ی نماز، باطلی می‌گوید و به هوا میدهد - صرا عظم، دروغ‌های حیرت انگیزش را روی کاغذ می‌آورد و در لایحه‌ی بودجه‌ی اسلامی می‌گنجاند و علاوه بر این، مجلس اسلامی را به بحث و بررسی نیز دعوت می‌کند.

تا هکار جدید موسوی، نخست وزیر، بخصوص در جمع بندی درآمدهای مملکتی است همراه با بشارتی به نمایندگان مکتبی که نگران نباشند " در سال ۱۳۶۵ معادل یکصد و چهل و نه میلیارد تومان، یعنی نزدیک به نیمه‌ی از درآمدهای دولت اسلامی از محل فروش نفت تاء مین و تضمین شده است."

ظاهرا " گوش صرا عظم، بدهکار این قبیل جروبحت‌ها هم نیست که وزیر خارجه‌اش، چندی قبل رسماً " اعلام کرده است: مساز صدور نفت بمنظور مفا بله با کاهش قیمت‌های جهانی خودداری کرده‌ایم و کوشمان در اجلاس آینده اوپک منحصرآ آن خوا هد بود که دیگران را نیز بیه قبول این " سیاست" ترغیب کنیم.

سیاست نفتی عربستان سعودی

بقیه از صفحه ۱

اولین استراتژی نفتی عربستان سعودی از سالهای ۱۹۸۱ - ۱۹۸۲ به موردا اجرا درآمد. اولین هدف، دفاع از قیمت پایه نفت اوپک بود. عربستان سعودی برای دستیابی به این هدف از خودگذشتگی های بزرگی بجان خرید. در نتیجه ما در نفت عربستان بتدریج به ۲/۲ میلیون بشکه در روز رسید در حالی که سهمیه تولید اوپک برای عربستان ۴/۵ میلیون بشکه در روز بود. کاهش تولید نفت به زودی نقصان درآمد دولت سعودی را سبب شد. وضع اقتصادی عربستان روز به روز وخیم تر شد. درآمد نفتی که در سال ۱۹۸۲ به ۱۰۰ میلیارد دلار میرسد در ۱۹۸۵ به ۲۶ میلیارد دلار سقوط کرد. در سال ۱۹۸۵، عربستان سعودی با ۲۰ میلیارد دلار کسری بودجه روبرو شد که پس از آمریکا، بزرگترین کسری بودجه دولتی است.

برای جبران کسری درآمد حاصل از کاهش تولید نفت، عربستان سعودی ناچار شد از ذخایر ارزی خود که از سالهای هفتاد در خارج از کشور ذخیره کرده بود برداشت کند. این ذخیره در سال ۱۹۸۲ به ۱۵۰ میلیارد دلار برآورد میشد، اما برداشت مرتب از این ذخایر ارزی به زودی، آنرا به ۱۰۰ میلیارد دلار رسانده است که با این آهنگ برداشت، تا یک سال هزینتها را تکافوی دهد.

بحران اقتصادی، بطور کلی بر همه واحدهای فعالیت و گروههای اجتماعی ضربه وارد آورده است. پروژههای اجتماعی متعدد فسخ و یا به سالهای بعد موکول شد. حقوق و مزایای کارمندان دولت ثابت ماند. از کمکهای دولتی در مورد کالاهای اساسی (سوپرمارکت) بسیار رکنر شده است. موسسات کوچک و متوسط بی در پی ورشکسته می شوند و بطور خلاصه آنکه خطر آن در میان است که نارضایتی ها صورت عمومی بخود بگیرد.

درخواستهای سلطنتی نیز چون در میان تکنوکراتها و بازرگانان ناراحتی شدید حاصل از کساد ناشی از سقوط تولید نفت محسوس است. انتقادات نسبت به سیاست نفتی و اعمال عمده آن شایع است. پیش از این با لا میکیرد تا آنجا که شاهزاده سلطان وزیر دفاع و پسر ارشد ملک فهد به تشکیل گروهی از متخصصان نفتی که با سیاست یمنی مخالفانند دست زده است. این گروه متخصصان خواستار پاپس کشیدن عربستان سعودی از اوپک و بنیاد یک سیاست نفتی مستقل هستند. آنها یمنی را مورد سرزنش قرار می دهند که از منافع اوپک بیش از منافع عربستان دفاع می کنند. دیگر اعضا خانواده سلطنتی چون شاهزاده سلمان، فرماندار ریاض و برادر دیگر ملک فهد نیز آشکارا از نقطه نظرهای گروه متخصصان مخالف یمنی پشتیبانی می کنند.

از سوی دیگر، وضع ناپایمان اقتصادی چه بسا که اثرات سوء بر ثبات سیاسی بگذارد. در پایان سال ۱۹۸۵ در ایالات شرقی - حوزة مهم نفتی - که شیعیان بخش مهمی از جمعیت آنرا تشکیل میدهند، فعالیت های بنیادگرایان بالا گرفت.

ظاهرا، اگر این وضع ادامه یابد، نباید برای ثبات رژیم خالی از خطر باشد. و این شرایط، تغییر سیاست نفتی را اجتناب ناپذیر می کند. تغییر سیاستی که باید مبتنی بر بالا بردن تولید نفتی باشد تا عربستان جای خود را بتواند اولین تولیدکننده اوپک باز یابد و وضع مالی را سر و صورت دهد. در ژانویه ۱۹۸۶، عربستان تصمیم خطیری در تغییر سیاست نفتی اتخاذ می کند و در نتیجه موضع تولید محدود و دفاع از قیمت پایه را ترک می کند. تصمیم قاطع مقامات جای تردیدی باقی نمی گذارد. جنگ واقعی قیمت ها علیه رقیبای عضو اوپک و بخصوص علیه انگلستان و نروژ که در سالهای اخیر مرتباً "تولید خود را به ضرر اوپک و مخصوصاً به ضرر عربستان بالا برده اند، در پیش گرفته میشود.

اهداف واقعی عربستان در عمل

اهداف واقعی عربستان در عمل مانوری دوگانه دارد. نخست بر آنست تا تولید را به ۴/۵ میلیون بشکه در روز بالا برد که مطابق سهمیه پیش بینی شده اوپک است. دیگر موضوع مهم برای این کشور آنست که با افزایش صادرات، کاهش مستمر درآمد نفتی را در این سه سال در برابر زارچانی جبران کند. بنظر می رسد که این هدف با توجه به اینکه تولید نفت عربستان در پایان ۱۹۸۵ به دو برابر بر رسیده است، حاصل آمده است. اما به چه قیمتی؟ آیا بسیاری از وفوق العاده تمام نشده است؟ از نوامبر ۱۹۸۵ تمام جهانی نفت به بیش از نصف ۲۹ دلار با سقوط به ۱۰/۵۰ دلار بهای امروز کاهش یافته است. بنا بر برآورد کمیانی نفتی "شل" کاهش یک دلار از بهای نفت برای اوپک هر ماه ۴۰۰ میلیون دلار آب می خورد. با توجه به اینکه قیمت نفت ۱۸/۵ دلار کاهش یافته است حساب ضرر روزی ۱۸۰ میلیون است؛ کشورهای عضو اوپک حدود ۷/۵ میلیارد دلار از دست داده اند. همه کشورهای عضو دچار سقوط عم انگیز درآمدهایشان شده اند و عربستان سعودی که خود عامل این سیاست بود نیز درآمدهای خود را از دست داده است تا آنجا که انتظاری بود که سال ۸۶ - ۸۷ را بعلت عدم طمینان از درآمد واقعی نفتی سال جاری به تاء خیرا نداشت.

سیاست نفتی سعودی باعث اتصاد و اتفاق نظر در اوپک نشده است. بلکه بطور کلی دو گروه مخالف پدید آورده است. گروه اول کشورهای پرجمیتی را در بر می گیرد که به سرمایه گذاری های مهم نیماز دارند چون الجزایر، ایران، نیجریه و لیبی. این کشورها با جنگ قیمت ها مخالفند و طرفدار کاهش تولید هستند تا به این وسیله بتوانند بهای نفت را بالا ببرند.

گروه دوم متشکل از کشورهای خلیج فارس است. این گروه به تاء شیبتر تحدید تولید تا وقتی که دیگر کشورهای بزرگ تولیدکننده و غیر عضو اوپک - به ویژه انگلستان - در این امر شرکت نکنند، با ورنه دارند.

دومین هدف اصلی که عربستان سعودی تعقیب می کند، عبارت از آنست که انگلستان را مجبور به مذاکره با اوپک شود تا سهمیه بنسبتی جدید و عادلانه ای در تقسیم با زارچانی نفت به اجرا در آید. چرا انگلستان همکاری با اوپک را قبول کند؟ دلایل وزیر نفت سعودی در این مورد ساده است: با حفظ قیمت نفت به مدت ۶ ماه در ۱۲ تا ۱۵ دلار برای هر بشکه، تولید نفت دریای سیاه و آمریکا و دیگر نواحی نفتی خارج از اوپک تا دو میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت و در نتیجه در سطح چنین قیمتی، نفت دریای سیاه و آمریکا دیگر سودآور نخواهد بود و انگلستان ناچار از مذاکره خواهد شد.

در حالی که موقعیت به این سادگی نیست و سعودی ها دوعامل مهم در این میان را فراموش کرده و یادست گرفته اند. نخست آنکه بهای نفت شام شده نفت دریای شمال بحساب استخراج از منابع مختلف، گوناگون است. اختلاف هزینه از ۱۵ تا ۱۲ دلار متغیر است. پس کاهش فعلی بهای نفت به آن اندازه مهم نیست که منجر به کاهش تولید نفت دریای شمال شود. افزون بر این لازم به یاد آوری است که بریتانیایی ها در موضع قدرت قرار دارند؛ درآمد نفتی تنها ده درصد درآمد دولت را در بر می گیرد، پس آنها میتوانند جنگ قیمت ها را در شرایط بهتری ادامه دهند.

چرا این، بنظر میرسد که سعودیها نیروی خود و دیگر اعضا اوپک را دست بالا گرفته اند. برای پیروزی در جنگ قیمت ها کشورهای عضو باید قادر به ادامه آن باشند. در حالی که چنین نیست، زیرا کشورهای تولیدکننده برای ادامه حیات به درآمد نفت وابستگی

بسیار دارند. پس نمی توانند به این جنگ تا پایان آن ادامه دهند. هم اکنون پس از دو ماه نتایج آن آشکار شده است: در همه کشورهای تولیدکننده روزگاری دشوار، برنامهای ریاضت و تجدید مذاکرات برای پرداخت وامها بسیار می گیرد. بحران اقتصادی پدیدار شده است. کشورهای عضو اوپک در چنین شرایطی چه می توانند بکنند؟ در آخرین اجلاس سازمان در ژنو، بدون توافق و نتیجه ای دوبر طرفکارکاملاً مخالف وجود داشت.

ایران، الجزایر، نیجریه و لیبی از طرف فکراول، یعنی بازگشت به سیاست تعیین سقف تولید برای هر عضو، برای بالا رفتن قیمت دفاع می کردند. بطور خلاصه، این کشورها با بازگشت به سیاست اوپک را که از سال ۱۹۸۱ تا ۸۶ مجری بود و به شکست انجامید، توصیه می کردند: در نتیجه برای کارآ شدن این سیاست کشورهای تولیدکننده باید کاهش جدی تولید را بپذیرند. به چه مقدار؟ بنا بر اطلاعاتی که اخیراً از سوی آنستس بین المللی انرژی چاپ شده است، در حال حاضر دست کم یک اذافه عرضه نفتی دو میلیون بشکای در روز وجود دارد.

اوپک که در حال حاضر ۱۶/۵ میلیون بشکه در روز تولید می کند، به این ترتیب باید تولید را به ۱۴/۵ میلیون بشکه در روز پائین آورد. سهمیه ای چنین پائینی آیا از سوی کشورهای عضو محترم شمرده خواهد شد؟ در این موضوع به دو دلیل میتوان شک کرد: نخست آنکه سقف پیشین تولید (۶) میلیون بشکه در روز که از سوی اوپک توصیه شده بود رعایت نشد و همه اعضای اوپک از سهمیه تولید خود درمی گذشتند.

دوم این است که هیچ کشوری با نحوه سهمیه بندی موافق نیست و می کشند سهمیه حداکثر داشته باشد. دشواریهای جدیداً قتمادی کشورهای عضو این برخورد را شدت خواهد بخشید و مانع از توافقی اصلی خواهد شد.

باری، در شرایط کنونی کاهش مهم و فوری تولید اوپک به قصد ایجاد تعادل در عرضه و بالارفتن قیمت ها نمیتواند بطور جدی با جزاء در آید.

پس باقی میماند راه حل سعودی. این راه حل همانطور که دیدیم به علت برخورد با مخالفت قاطع لندن، به سخت پیروزی نداشت. در بهترین صورت سعودی ها میتوانند به توافقی محدود با برخی از کشورهای تولیدکننده غیر عضو اوپک دست ممر، مالزی، عمان و برن شو چون با بند که چنین توافقی احتمالی قادر به حل مشکلات کنونی نیست، با توجه به اینکه اوپک در زور آزمایی کنونی برنده نخواهد بود، عربستان سعودی نیز با زنده گام نیست. زیرا در حال حاضر یکی از بهترین سهمیه اوپک را بدست آورده است و در دراز مدت شرایط بازگشت به قدرت در برابر زارچانی را فراهم کرده است.

- ۱ - حق ایران به ملی کردن صنعت نفت تا آنجا که مربوط به قرارداد امتیاز شرکت نفت انگلیس و ایران و تعهد قراردادی ایران به عدم انگیس بودن.
- ۲ - معنی اصطلاح ملی کردن و مکان یا عدم مکان ابقای شرکت سابق به نحوی از آنجا با وجود ملی شدن صنعت نفت.
- ۳ - طرز تعیین و پرداخت غرامت
- ۴ - مراجع قضائی برای حل اختلافات ناشی از ملی کردن نفت.
- ۵ - استفاده از کارکنان خارجی
- ۶ - انجام معاملات فروش از طرف شرکت ملی نفت

- ۱ - روزنامه قائم مقام شماره ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۰
- ۲ - جای تاء سف است که اقدامی که نمایندگان جبهه ملی در مجلس شورا در تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۳۱ به عمل آورده و لایحه ای با قید سه فوریت مبنی بر عفو و آزادی خلیل طهماسبی قاتل رزم آرا به تصویب رساندند. حمل بر تصدیق این دعوی جمعیت فدائیان اسلام گردید که آنها با واداشتن طهماسبی به ترور رزم آرا مسبب اصلی ملی شدن نفت بوده اند و حال آنکه بطلان این دعوی بطوری که گفته شد خود بخود واضح است.
- ۳ - Cottam: 153-155
- ۴ - تلگراف محرمانه سفیر انگلیس دروا شنگتن به وزارت امور خارجه انگلیس به تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۵۲

۵ - جمعا ۶۷ فقره پیشنهاد از طرف نمایندگان کمیسیون واصل گردید بین آنها یک پیشنهاد به این مضمون بود که امتیاز ۱۳۱۲ ملتی و امتیاز دارسی مجدداً برقرار شود.

پس از تصویب هیئت وزیران به وسیله وزارت فرهنگ به موقع اجرا گذارد. مخارج تحصیل این محصلین از عواید نفت برداشته خواهد شد.

ماده ۷ - کلیه خریداران محصولات انتزاعی از شرکت نفت انگلیس و ایران هر مقدار نفتی را که از اول سال مسیحی ۱۹۴۸ تا تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ (۲۰ مارس ۱۹۵۱) از آن شرکت سالیانه خریداری کرده اند می توانند از این به بعد به نرخ عادلانه بین المللی همان مقدار را سالیانه خریداری نمایند و برای مازاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط در خرید حق تقدم خواهند داشت.

ماده ۸ - کلیه پیشنهادهای هیئت مختلط که برای تصویب مجلس شورای ملی تهیه و تقدیم مجلس خواهد شد به کمیسیون نفت ارجاع می گردد.

ماده ۹ - هیئت مختلط باید در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون به کار خود خاتمه دهد و گزارش عملیات خود را طبق ماده ۸ به مجلس تقدیم کند و در صورتی که احتیاج به تمدید مدت باشد باید ذکر دلایل موجه درخواست تمدید نماید و تا زمانی که تمدید مدت بهرجهتی از جهات از تصویب مجلسین نگذشته است هیئت مختلط می تواند به کار خود ادامه دهد.

ضمن اعتراضاتی که از طرف شرکت نفت و دولت انگلیس نسبت به اقدام دولت ایران بعمل آمد و همچنین در جریان مطالعه و اظهار نظر در باره پیشنهادها که هیئت مختلط برای حل اختلاف مطرح شد بعضی نکات مربوط به مقررات قانونی ملی شدن نفت مورد بحث و تفسیر قرار گرفت. مافهرستی از نکات مزبور را ذیلا درج می کنیم ولی چگونگی بحث در مورد هر یک از آنها را ضمن ذکر اظهارات طرف و توضیح پیشنهادها شرح خواهیم داد.

مصدق
و نهضت ملی ایران
در کشاکش چپ و راست

بقیه از صفحه ۹

ماده ۴ - چون از تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ که ملی شدن صنعت نفت به تصویب مجلس سنا رسیده است کلیه درآمد نفت و محصولات نفتی حق مسلم ملت ایران است دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط به حساب شرکت رسیدگی کند و نیز هیئت مختلط باید از تاریخ اجرای این قانون تا تعیین هیئت عامله در امور بهره برداری دقیقاً "نظارت نماید".

ماده ۵ - هیئت مختلط باید هر چه زودتر اساسنامه شرکت ملی نفت را که در آن هیئت عامله و هیئت نظارتی از متخصصین پیش بینی شده باشد تهیه و برای تصویب به مجلسین پیشنهاد کند.

ماده ۶ - برای تبدیل تدریجی متخصصین خارجی به متخصصین ایرانی هیئت مختلط مکلف است آئین نامه فرستادن عده ای محصل به طریق مسابقه در هر سال برای فراگرفتن رشته های مختلف معلومات و تجربیات مربوط به صنایع نفت به کشورهای خارج را تدوین و

میوه‌های درخت بی‌ریشه خامنه‌ای

دانشگاه‌ها در میهن ما ، همواره سنگرهای پایداری بوده‌اند و دانش‌پژوهان به‌ساخته‌ی خرد و منطق از هرگونه استبداد و یکه‌تازی نفرت دارند. روح الله خمینی با آنکه پیش از بازگشت به ایران ، به نیروی جاذبه‌های دروغین، گروه‌بزرگی از دانشگاہیان را مفتون ساخته بود ، از همان لحظات نخستین ورود ، عناد و دشمنی خود را با دانش و دانشگاه و دانشجو ، آشکارا ساخت .

یادمان نرفته است که موبک منحوسش برخلاف برنامۂ از پیش تنظیم شده ، به تندی از برادران دانشگاہ تهران گذشت و حضرتش بجای ایراد نطق و خطابه در برابر انبوه دانشجویان ، به نوحه‌خوانی درگورستان بهشت زهرا پرداخت . از آن پس نیز در هر منبر و به هر مناسبتی ، ناسزا شای نثار دانشگاہیان کرد . لب کلام او همیشه این بود که " ما هر چه می‌کشیم از دست این دانشگاہ بوده است " . و این یکی را درست می‌گوید ، دانشگاہ همیشه دشمن استبداد و استبدادیان است .

آخوندهای ایمن و یسار خمینی نیز ، هیچ لحظه‌ای وهیچ بهانه‌ای را برای به بند کشیدن دانشگاہ و دانشگاہیان از دست ننهاده‌اند . در این میان ، شیخ علی خامنه‌ای که علاوه بر " مناصب دیگر ، ریاست عالی شورای انقلاب فرهنگی را نیز بر عهده می‌گردد ، بیش از همه برای دانشگاہ شمشیر می‌کشد و به هر منبری که می‌رود گریزی به صحرائی گریز می‌زند . با آنکه حضرات ، دوسه سالگی در دانشگاہ‌ها را تخته کردند تا به اصطلاح " انقلاب فرهنگی " شان را پیاده کنند و در واقع برنامہ‌ای جامع و کامل برای سرکوب استادان دانشجو و مباحثه‌ی آزاد ، فراهم آورند ، با وجود این ، باز هم " دانشگاہ " مهمترین مسئله رژیم باقی مانده است .

" انجمن‌های اسلامی " که در واقع واحدهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم در دانشگاہ‌ها ، بشمار می‌روند ، با همه امکانات مالی و حمایت‌های بی‌حد و مرز آن‌ها ، هرگز نتوانسته‌اند در پیاد انتقاد و اعتراض دانشجویان و استادان آزادیخواه را خاموش سازند ، تغییر و تبدیلی‌های مکرر در مدیریت‌های دانشگاہی نیز سودی نبخشیده است . چندی پیش رئیس حزب الهی دانشگاہ تهران را برگرسی وزارت فرهنگ و آموزش عالی نشانیدند به این امید که نظارت او بر مجموعه‌های آموزشی کشور ، کار را یکسره کند و دانشگاہ‌ها را به " فیضیه " های جدید تبدیل سازد . سمینارهای و کنفرانس‌ها و کنگره‌های مختلفی نیز در زمینه وحدت حوزه و دانشگاہ برپا شد اما علیرغم این تمهیدات دانشگاہیان راستین همچنان با روش بیینی ، به مقاومت‌های مثبت از ماه گذشته " دانشگاہ ملی تهران " صحنه برخورد و نافرمانی‌های بسیار بوده است . برخی از مسئولان دانشگاہ که از یکه‌تازی‌های " حزب الله " به ستوه آمده‌اند ، می‌کوشند تا فعالیت آن‌ها را محدود سازند و حتی یکبار عده‌ای از اعضای انجمن اسلامی را به دانشگاہ راه ندادند حزب الهی‌های تیرخورده طبق معمول " شورائی " به نام " شورای نیروهای حزب الله در دانشگاہ " تشکیل دادند و دست به تحمیل زدند . در اطلاعاتی که این با اصطلاح " شورا " ی خلق ساخته منتشر ساخت ، چنین آمده است :

" ... تاکنون خون دل خورده و لب فرو بسته ایم . ولی این بار به دنبال برخورد مدیریت دانشگاہ با انجمن اسلامی بیما رستان امام حسین وابسته به دانشگاہ شهید بهشتی - ملی سابق - جانمان به لب رسید و تا گریز شدیم فریاد مظلومیت ما را به این نحو به گوش همهٔ مسئولان برسانیم ... "

چون لب آنست که وزیر فرهنگ و آموزش عالی - که خود یک حزب الهی شناخته شده است

تاکنون هیچ حمایتی از این " انجمن اسلامی " بعمل نیاورده است ، و این خود از هر چه و مرجی که بر مجموعهٔ دستگاہ‌های اجرائی و فرهنگی رژیم سایه افکنده است ، ناشی می‌شود . دانشجویان و استادان روشن بین ، با استفاده از همین " تضادهای درونی " که در حکم " چشم‌سفند یار " رژیم است ، بدرستی بهره‌بردار می‌کنند و بر مفاومت‌های خودتداوم می‌بخشند .

بدیهی است که این آشفتگی‌ها و این ناآرامی‌های دانشگاہی ستون فقرات آخوندها را می‌لرزاند . آن‌ها دانشگاہ را می‌شناسند و نیروی پرتوان مبارزه و پایداری را در هر نفس ، هر حرکت و هر گفتهٔ دانشجویان واقعی ، احساس می‌کنند . پس جای شگفتی نیست اگر چنین می‌هراسند !

پس از ده‌ها سمینار و سمپوزیوم و بنیاد دوشورا ، اخیراً " مجمع جدیدی به‌بیتکار شیخ علی خامنه‌ای در تهران تشکیل شده است بنام " مجمع نحوهٔ اسلامی شدن دانشگاہ‌ها " . یعنی شیخ علی خامنه‌ای دانسته است که پس از هفت سال بگیر و ببند و تعطیل و پاکسازی و تشکیل انجمن اسلامی و جهاد دانشگاہی و انقلاب فرهنگی ، هنوز آخوندها اندر خم یک کوچه‌اند . تازه مجمع تشکیل می‌شود که راه‌های اسلامی کردن دانشگاہ‌ها بررسی کنند . سید علی خامنه‌ای در دیدار با اعضای این " مجمع " در ابتدا چنین مقدمه می‌چیند :

" درخت جمهوری اسلامی که غرس شد و شرداد ، اگر ریشه نداشته باشد ، خشک می‌شود . آخوند خامنه‌ای توضیح نمی‌دهد که درختی که " ریشه ندارد ، چگونه " شمر می‌دهد . ولی از این " مهمل " که بگذریم ، یک نکته را درست فهمیده است : " جمهوری اسلامی " ایشان ریشه ندارد و بزودی خشک خواهد شد . آخوند خامنه‌ای همچنان مقدمه می‌بافد می‌گوید :

" ... با پایداری فرهنگی و جنگ فرهنگی مشکل ترا زنبور در جبهه‌ها است ... حمله فرهنگی بی صداست و هوشمندی بیشتری می‌خواهد . در هر حمله تبلیغاتی باید فوراً ... جای پای دشمن را یافت ... در دانشگاہ و محیط فرهنگی هم همین امروز وجود دارد و ریشه‌های آن را باید از بین برد ... "

به عبارت درست یعنی ، هر کس در دانشگاہ‌ها دست به اعتراض و انتقاد بیا بگوید سید علی خامنه‌ای " حمله " تبلیغاتی " بزنده ، فوراً " باید اورا مآورد دشمن شناخت و در جا سرکوبش کرد .

" سوزدل " سید علی خامنه‌ای در مورد دانشگاہ آنقدر زیاده‌است که به این زودی‌ها موضوع را رها نمی‌کند و حال که ضربه را به " دانشجویان منحرف " یعنی همان‌ها که در برابر زور و استمات و ولایت فقیه " پایداری می‌کنند - زده است ، باید یک گوشه‌ای درست و حسابی هم به " استادان " نافرمان بدهد . می‌گوید :

" ... استادی که در سر کلاس بی‌علاقه به ارزش‌های انقلاب ، قرآن و مفاهیم اسلامی ... بیا ذهن شاگرد بازی کرده و اورا می‌آلاید ، مانعی توانیم اورا قبول کنیم ... گاهی از استاد دوم دبیر و مسئولین دانشگاہ ، این چند جوانی که بعنوان " انجمن اسلامی " مشغول کار هستند نقشان قوی تر ، موثر تر و نافذ تر است ... اینها بسیار ارزشمندند ... "

از روز روشن تراست ، رژیم که یک مشت جا هل و ولگرد و نادان را بر سر دانش‌پژوهان رجان می‌نهد و می‌خواهد سایه سیاه جهل و خرافات را بر سر فرهنگمداران بگستراند ، محکوم به مرگ و سقوط است .

دنیای غرب و خمینی

بقیه از صفحه

دنیای غرب زرمه‌ی آغاز شده است که مفاهیم حقوق بشر را در جهان سوم بناید با استنباطات ملل غربی از حقوق بشر مخلوط کرد . درد و کلمه معنای این حرف این بود که به ما چه مربوط است اگر در کشورهای جهان سوم حقوق بشر رعایت نمی‌شود . ما باید در حدود منافع خودمان به مسائل کشورهای جهان سوم توجه کنیم ، بقیه‌اش مربوط به خود آنهاست .

در مورد مفاهیم پیشرفت و توسعه نیز همین را می‌گفتند و عجب آنکه منادیان چنین نظریه‌ای ، اسم خود را طرفداران امالت‌های فرهنگی گذاشته بودند . دقیقاً " مثل همان بزرگوارانی که در اواخر دوره گذشته ، همزمان با شکل گرفتن " نهضت امام خمینی " از میان متفکران و روشنفکران سر برداشتند و گریبان میدیدند که تمدن غربی و فرهنگ غربی و دمکراسی نوع غربی ما را از " خویشتن خویش " بیگانه کرده است . باید اینها را دور بریزیم و ما که یکبار دیده بودیم از کار یک طرفداران " بازگشت به خویش " با چه ترفندی شال و قبا و ملامحمد با قمرجلسی و ملامحسن فیض‌شاه و شیخ فضل الله نوری تا خورده و اطو شده بیرون آمدیم دانستیم این مرتبه هم حقه دیگری در کار است و میخواهند به افکار عمومی غرب مخدری تزریق کنند و نگذارند آنچه در کشور ما و منطقه‌ای گذرد هیچ‌جایی در ملت‌های غربی برانگیزد و کارها بی‌سرودا پیش برود .

حالا که همه چیز بروقی مراد انجام گرفته است دیگر دلیلی برای دغلبازی و وارونه جلوه دادن حقایق وجود ندارد . دیگر کسی نمی‌گوید رژیم از مرحله هرج و مرج انقلابی عبور کرده و به مرحله ثبات سیاسی رسیده و دست اندرکاران ساز اقتصاد و صنعت شده است . بی‌پرده می‌گویند رژیم اسلامی ایران را به راهی میبرد که پل بوت در کام موج بی‌عمری تجربه گذاشت . چیزی که ما از هفت سال پیش می‌گفتیم .

ایران حاکم است و این رژیم رژیم نیست که بتواند نظم و قانون برقرار کند صدایمان به جایی نمی‌رسد چون همین روزنامه تا میز در مقالات مفصل ، از کاردانی رژیم ستایش می‌کرد که موفق شده است هم جنگ را بخوبی اداره کند و هم اوضاع داخلی را آرام نگاهدارد . رادیوهای خارجی هم به استناد چندماده سرودست شسته با تفسیر نقی‌گامی تلویحا " و گامی تصریحا " مدعی میشدند که در مقابل رژیم خمینی هیچ مقاومت قابل اعتنائی وجود ندارد . نیویورک تایمز ماده چند صفحه‌ای با حجت الاسلام رفسنجانی به چاپ میرساند ...

روزنامه واشنگتن پست مینوشت هیچ حکومتی در برچیدن بساط کمونیست‌ها و چپ‌های افراطی قاطعانه‌تر از جمهوری اسلامی عمل نکرده است .

عقل حیران میماند که این دیگر چه بازی غربی است . دنیای صنعتی غرب مجذوب خمینی است یا مرعوب او که بر حسب ظاهر رژیم خمینی برای همه شاخ و شانه میکشد و قدرت‌های بزرگ غربی عوض آنکه عکس‌العملی نشان دهند به انبوه و سایل آن را حمایت و تقویت می‌کنند . بعد از چندین سال حالامی فهمیم مادر چه خیال بوده ایم و آنها در چه کار .

همه آن بازیها برای رسیدن به جایی بود که اکنون رسیده ایم . برای این بود که بهای نفت برگردد به زیر دلا و آنچه پول از برکت افزایش قیمت نفت در حساب کشورهای تولیدکننده نفت ذخیره شده بود برگردد به جیب چند کشور بزرگ صنعتی تا آن مختصری نظمی که در نظام مالی جهان پیدا شده بود از میان بر خیزد . طبق نظم دیرین ، باز آنها شراکت را با گوشه‌بینیته قسرنساول بخورند و ما برگردیم به نان و پنیر یا نان و خرما می‌خوریم .

یکی دوسال پیش ، در حالتی که ما ایرانی‌ها سرمان را به دیوار میکوفتیم و حنجره میدردیم تا توجه جهان‌نیان را به نقض حقوق بشر و کشتار و آزار بیرحمانه انسان‌ها در ایران جلب کنیم تا گمان متوجه شدیم در سایل ارتباطی

اعلامیه نهضت مقاومت ملی ایران

در گذشت آیت الله شریعتمداری

آیت الله سید کاظم شریعتمداری بعد از ظهر پنجشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۶۵ در تهران روی درنقاب خاک کشید . مرحوم شریعتمداری بیما ربود و پزشکان معالج توصیه وپافشاری می‌کردند که برای معالجه به خارج از کشور اعزام شود . ولی خمینی جانی و عملی - ظلمت - که هیچگاه مخالفت آن مرحوم را با اصل ولایت فقیه و استبداد دینی فراموش نکرده بودند - به رغم التماس و استغاثهٔ خویشاوندان ، از صدور اجازه خروج از کشور خودداری کردند تا با ارد ورنج طاقت فرسائی جان داد .

آیت الله شریعتمداری همان کسی بود که در سال ۱۳۴۲ ، برای نجات جهان خمینی ، سر جمعیت او - در حالیکه در حد چنین مرتبه‌ای نبود - فتوی داده بود و این چنین با داش خود را از زیر مرد خونخوار گرفت .

سروش‌ت غم‌انگیز این روحانی شریف که یکی از مراجع مسلم تقلید شیعیان بود ، یکبار دیگر نشان داد که برای خمینی و آخوندهای حاکم مذهب و نظا هر به شاعر مذهبی جز بهانه‌ای برای ادامه سلطه‌چینی‌شان نیست .

نهضت مقاومت ملی ایران این فایده را به عموم هموطنان ، به بازماندگان آن مرحوم و بخصوص اهالی غیور آذربایجان تسلیم می‌کند و اطمینان دارد که مردم آزاده و متدین ما در برابر این ستمگری نسبت به بزرگان دین آرام نخواهند نشست و در انتظار فرصتی گه گشته فتنه و فساد را بسوزانند ، بسا احترام می‌بایست ، مقام روحانی آن بزرگوار ستمگینده ، مراسم تشییع جنازه وی را بعمل خواهند آورد .

نگارهای تسلیت

حضور مبارک حضرت آیت الله العظمی خویی

فایده بزرگ جهان شیعیان ، فقدان حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری را به حضور معظم مبارک تسلیت عرض نموده ، طول عمر پربرکت حضرت عالی و رحمت بی پایان برای آن مرحوم را از بارگاه خداوند متعال مسئلت دارد .

ارادتمند ، دکتر عبدالرحمن برومند

حضرت آیت الله زاده آقای مهندس حسن شریعتمداری - هامبورگ

در ضایعه اسفناک فقدان حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری مثل همه شیعیان جهان شریک غم جنابعالی هستیم . ضمن ابراز کمال تأسف و تأثر از این واقعهٔ مؤلمه ، از خداوند متعال مسئلت دارم روح آن مرحوم بزرگوار و جلیل القدر را غرق رحمت و بهجت‌عالی ، صبر جمیل عنایت فرماید .

دکتر عبدالرحمن برومند

ایران هرگز نخواهد مرد

نشانی:

QYAM IRAN
C/O G.B.
17, bd RASPAIL
75007 PARIS
FRANCE